



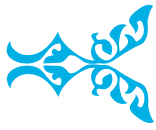
تقدیم به همسر و پسر و به پاس محبت بی دریغشان

افشین محی‌الدین

پیشکش به همسر همیشه‌همراه: آبان‌دخت، پاس‌داشتِ مهر

بی‌دریغ و بی‌دروغش

ابوالفضل غلامی



سلام!

تا حالا دقت کردین پیدا کردن شباهت‌ها، از هر نوع و جنسی که باشن، یه ذوق خاصی به آدم می‌ده؟ مثلاً وقتی کسی رو می‌بینید که شبیه بازیگر یا خواننده محبوبتونه، وقتی یه تابلوی نقاشی یا عکاسی شبیه به صحنه‌ایه که قبلاً دیدینش، وقتی یه شخصیت توی یه فیلم یا سریال یا رمان اخلاق و رفتاری مشابه شما یا یکی از اطرفیانتون داره، یا مثلاً وقتی یه بچه تازه به دنیا میاد و همه قوم و خویشا دنبال اینن که ببینن چیش شبیه کیه! دماغش عین پدرشه، چشمش به مامانش رفته، سببلاش شبیه پدر بزرگشه، اثنی‌عشر و دهلیز راستش کپی داییشه! و ... این‌که چرا کشف شباهت‌ها این‌قدر برای ما جالبه احتمالاً دلایل مختلفی داره، دلایل فلسفی، روان‌شناختی، نور و ساینسی، همین‌جوری دوره‌می و ... اما فارغ از این دلایل، خود این لذت رو نمی‌شه کتمان کرد.

نمی‌دونم مبحث «قرابت معنایی» در کنکور رو چه قدر دوس دارید، اما اگه دارید احتمالاً یکی از دلایلش همین میل به کشف شباهت‌هاس. جالب هم هست واقعاً! دوتا شاعر که شاید کیلومترها و شاید قرن‌ها از هم فاصله دارن، حتماً شاید از دوتا فرهنگ و کشور مختلف هستن یهو حرفاشون به جایی و راجع به یه موضوعی دقیقاً شبیه هم درمیان! شما که خودتون حسابی کارتون رو بلدید، ولی بهتون پیشنهاد می‌کنم مبحث قرابت معنایی رو حسابی جدی بگیرید و براش وقت بذارید. اگرچه با حذف دروس عمومی، تستای قرابت معنایی تو کنکور فقط محدود به درس علوم و فنون شدن، اما خب! اولاً ۴، ۵ تا تست علوم و فنون به خودی خود خیلی مهمه، ثانیاً مبحث قرابت شما رو در فهمیدن ابعاد مختلف معنایی شعرها حسابی مسلط و ورزیده می‌کنه و تشخیص آرایه‌هایی مثل استعاره، مجاز، حسن تعلیل، اسلوب معادله و ... با بعضی مباحث سبک‌شناسی خیلی ساده‌تر می‌شه وقتی شما بتونید راحت و زود تمام جنبه‌های معنایی یک شعر رو بفهمید و تحلیل کنید. پس قرابت معنایی رو حسابی جدی بگیرید و تمرین کنید، هم برای بیشتر لذت بردن از شعر، هم برای کسب یه درصد خیلی خوب تو تمام مباحث علوم و فنون ادبی کنکور. چندتا تشکر هم بکنم:

از مولفای خوب و زبده کتاب، که با کلی تلاش و ایده‌پردازی یه کتاب جامع و کامل با یه ساختار خاص و خلاقانه نوشتن، از گروه تألیف کتاب‌های انسانی، که همیشه دنبال این هستن که نیازهای شما رو به خوبی بشناسن و براتون کتاب‌های به‌روز و کارآمد تولید کنن.

از خانم هدی ملک‌پور مسئول پروژه کتاب که پیگیر اجرای درست و دقیق تمام مراحل تألیف کتاب بودن و از همکاران عزیزمون در واحد تولید که خستگی برآشون معنایی نداره و همیشه دنبال ارائه بهترین کار ممکن هستن.

امیدوارم این کتاب رو دوست داشته باشید، باهوش رفیق بشید و براتون حسابی مفید و کارآمد باشه.

و اما، کتاب‌های موضوعی انسانی:

افزایش یافتن تعداد داوطلبین کنکور انسانی در هر سال، جدی‌تر و سخت‌تر شدن رقابت برای کسب رتبه‌های برتر، حذف دروس عمومی و ... همه و همه نشان‌دهنده این هستن که شما باید سال‌به‌سال درس‌های اختصاصی انسانی را عمیق‌تر و جدی‌تر بخوانید. در این میان، ممکن است در هر درس با موضوع یا موضوعاتی مواجه شوید که دشوارتر هستن یا باید به روش متفاوتی مطالعه شوند یا نیاز به تمرین بیشتر دارن یا ... ما با مجموعه «کتاب‌های موضوعی انسانی» این مسئله را برای شما ساده کرده‌ایم. برای موضوع‌های مهم در هر کدام از دروس، کتابی با سبک ویژه و متناسب با آن موضوع آماده کرده‌ایم که با خواندنش آمادگی و تسلطتان نسبت به آن مبحث بسیار بیشتر می‌شود.

مقدمه مؤلفان



از مجموعه ۳۰ سؤال ادبیات اختصاصی، سهم سؤالات قرابت معنایی ۵ تست است؛ یعنی حدود ۱۶/۵ درصد. اما اهمیت قرابت معنایی در کنکور انسانی این قدر نیست! واقعیت این است که جواب‌دهی به بسیاری از سؤالات دیگری هم که ذیل عنوان قرابت معنایی دسته‌بندی نمی‌شوند، بستگی به مهارت داوطلب در قرابت معنایی دارد. کسی که نتواند بیت را به درستی بخواند و معنی و مفهوم آن را نفهمد، در پاسخگویی به عروض و قافیه هم نمی‌تواند توفیق داشته باشد. نیاز به توضیح ندارد که پاسخ‌دادن به اکثر تست‌های آرایه، بستگی تام و تمام به میزان مهارت شما در قرابت دارد.

تا تیرماه سال ۱۴۰۱، درس ادبیات فارسی در کنکور سراسری حضور داشت و با توجه به تأثیر زیاد این درس در نتیجه کنکور سراسری و اهمیت آن و سهم قابل توجه سؤالات قرابت معنایی (۹ سؤال از ۲۵ سؤال) دانش‌آموزان به این بخش توجه ویژه و خاصی داشتند. حالا که تصمیم بر این شده است که دروس عمومی از کنکور سراسری حذف شوند، اگر می‌خواهید در درس ادبیات تخصصی موفق شوید باید به شکل ویژه و خاصی به مبحث قرابت معنایی توجه کنید و گمان نکنید سهم این درس فقط پنج سؤال از سی سؤال است. همان مقدار برای آن وقت بگذارید که تا سال قبل یک دانش‌آموز کنکوری برای این مبحث وقت می‌گذاشت؛ یعنی حداقل شبی ده تست.

خوشبختانه در کتاب‌های علوم و فنون ابیات متنوعی وجود دارد و میدان برای تمرین مفاهیم مختلف باز است. بررسی مفاهیم موجود در کتاب‌های علوم و فنون و پاسخگویی منظم و مداوم به سؤالات قرابت مفهومی می‌تواند جای خالی ادبیات عمومی را پر کند. البته نکته مهم این است که به سؤالاتی پاسخ دهید و درس‌نامه‌هایی بخوانید که برای کتاب‌های علوم و فنون تألیف شده‌اند. کتاب حاضر اولین کتابی است که با توجه به این نیاز مهم و جدی برای داوطلبان رشته انسانی تألیف شده است و می‌تواند به خوبی نیاز این داوطلبان را در قرابت معنایی برآورده کند. در این کتاب از هر مفهومی که پتانسیل طرح تست قرابت داشته است، تست طرح کرده‌ایم و از کنار هیچ مفهوم مهم، نسبتاً مهم و یا حتی کم‌اهمیت، بدون تست، عبور نکرده‌ایم. آشکار است برخی مفاهیم اهمیت بیشتری دارند، از این مفاهیم مهم و پرکاربرد تست‌های بیشتری، با الگوهای متفاوت طرح کرده‌ایم تا این مفاهیم، ملکه ذهن شما گردند. علاوه بر این‌ها، برای مفاهیمی که در کتاب‌های عمومی و فنون مشترک بوده‌اند، از تمام تست‌های کنکور سراسری مناسب استفاده کرده‌ایم.

درس‌نامه‌های بسیار مفید و آموزنده‌ای برای این کتاب تألیف کردیم. اگرچه برای مهارت در پاسخگویی به سؤالات قرابت، مهم‌ترین کار تمرین و تکرار است، اما در شروع کار باید با ابیات کتاب درسی و مفاهیم آن‌ها آشنا شوید و بعضی مطالب مهم و اساسی را بدانید تا بتوانید ابیات را درست بخوانید و مفهوم آن‌ها را بیابید. تمام این مطالب را در درس‌نامه‌هایی دقیق و حرفه‌ای جمع کرده‌ایم که در ادامه آن‌ها را معرفی خواهیم کرد. حتماً این درس‌نامه‌ها را با دقت بخوانید و از مطالب آن به بهترین شکل استفاده کنید.

کتاب هفت خان چه بخش‌هایی دارد؟

فصل اول تحت عنوان «آشنایی با قرابت معنایی در کنکور» است. در این فصل با ۸ الگوی رایج تستی در کنکور و تکنیک‌های پاسخگویی به آن‌ها آشنا می‌شوید.

فصل دوم «شعرخوانی و استنباط مفهوم» نام دارد. در این فصل درس‌نامه‌ای کامل و کاربردی برای شما آماده کرده‌ایم تا شیوه درست خواندن بیت و راه رسیدن به مفهوم را به شما نشان دهد. مهم‌ترین مانعی که در ابتدای کار نه‌تنها در حل سؤالات قرابت بلکه در سؤالات دستور و آرایه، دانش‌آموزان با آن مواجه هستند، درست خواندن بیت است. بیت را چگونه بخوانیم؟ چه‌طور ابیات را مرتب کنیم؟ به چه نکات دستوری در مرتب‌ساختن ابیات توجه کنیم؟ چه موقع باید دو مصراع را به هم پیوسته بخوانیم؟ از وزن شعر چه‌طور برای شناخت درست واژه‌ها و معنی و مفهوم بیت‌ها کمک بگیریم؟ پاسخ این سؤالات و کلاً هر مهارت و دانسته‌ای را که برای درست خواندن شعر و درک مفهوم یک بیت به آن نیاز دارید، در این فصل خواهید یافت و شما با خواندن این درس‌نامه می‌توانید خود را برای رویارویی با سؤالات قرابت مجهز و آماده کنید.

در **فصل سوم** چهار فهرست کاربردی خیلی مهم برایتان فراهم کرده‌ایم:

۱- فهرست واژگان چند تلفظی: در این بخش با واژگانی آشنا می‌شوید که ظاهری یکسان اما تلفظ و معنایی متفاوت دارند. مثلاً «خرد» به سه شکل تلفظ می‌شود و در هر تلفظ، معنایی کاملاً متفاوت دارد: (الف) خَرَد ب) خُرَد پ) خَرَد. برای هر کدام از این واژگان نیز تمرینی جداگانه طراحی شده است تا پس از آشنایی با این واژگان با حل تمرین‌های مربوط به آن ذهن‌تان کاملاً ورزیده شود.

۲- فهرست واژگان چندمعنایی: بعضی واژه‌ها در تلفظ و املا هیچ تفاوتی با هم ندارند ولی معنای آن‌ها با هم متفاوت است. برای فهمیدن معنی درست بسیاری از جملات در مواجهه با چنین واژه‌هایی باید بدانیم در کدام معنی به کار رفته‌اند. مثلاً واژه «آهنگ» گاهی به معنی «قصه و یا سوء قصد» گاهی به معنی «نوا» و گاهی به معنی «قصد و نیت» است. در این فهرست به همراه تمرین‌های زیادی با بخش مهمی از این واژگان آشنا می‌شوید.

۳- فهرست آیات و احادیث و جملات عربی: همان‌طور که از عنوان این فصل مشخص است، در این بخش با فهرست آیات، احادیث و جملات عربی به‌کاررفته در کتاب‌های علوم و فنون آشنا می‌شوید. علاوه بر معنی این جملات، به مفهوم کلی آن نیز اشاره‌ای کرده‌ایم.

۴- فهرست نمادهای رایج شعر فارسی: در این بخش به توضیح برخی نمادها، نشانه‌ها و همین‌طور برخی سنت‌های ادبی و باورهای رایج در شعر فارسی پرداخته‌ایم. آشنایی با این نمادها علاوه بر این‌که به فهم شما در اشعار کمک می‌کند، باعث لذت‌بردن بیشتر از شعر نیز می‌شود.

در **فصل چهارم** مفاهیم و مضامین ابیات کتاب درسی به شکل موضوعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تمام ابیات کتاب را در چهار بخش تعلیمی، غنایی، عرفانی و میهنی و حماسی دسته‌بندی کرده‌ایم. هر کدام از بخش‌ها نیز به قسمت‌های کوچک‌تری تقسیم شده است. سپس ابیات متناسب با آن‌ها را از کتاب‌های دهم و یازدهم و دوازدهم آورده‌ایم و در ادامه برای هر موضوع مثال‌هایی خارج از کتاب هم برای شما قرار داده‌ایم.

بعد از درس‌نامه موضوعی مفاهیم در هر قسمت، پرسش‌های چهارگزینه‌ای متناسب با آن مفاهیم آمده است. ترتیب سؤالات عمدتاً از ساده به دشوار است. از همه مفاهیم مهم آن قسمت سؤال طرح کرده‌ایم، ولی به مفاهیم مهم و پرتکرار بیشتر توجه شده است.

در **فصل پنجم**، فهرست کاملی از واژگان مهم کتاب‌های علوم و فنون برایتان به ترتیب درس آماده کرده‌ایم. در **فصل ششم**، برای این‌که بتوانید مهارت خودتان را در فضای بزرگ‌تری هم بسنجید، چهل آزمون قرار داده‌ایم که در هر آزمون ۵ سؤال، مطابق با تعداد سؤالات کنکور سراسری، قرار دارد. پاسخگویی تدریجی به این آزمون‌ها می‌تواند در افزایش مهارت شما در مبحث قرابت معنایی بسیار مفید و مؤثر باشد. چیدمان آزمون‌ها هم تقریباً ساده به دشوار است. در پایان کتاب نیز پاسخ تشریحی سؤالات چهارگزینه‌ای آمده است که پیش از این در مورد ویژگی‌های این بخش صحبت کردیم. در پاسخ تشریحی، پاسخی کامل و در عین حال مختصر و دقیق برای سؤالات آورده‌ایم. تنها به نشان دادن پاسخ درست اکتفا نکرده‌ایم، بلکه مفهوم تک‌تک گزینه‌ها را بیان کرده‌ایم، به گونه‌ای که با خواندن پاسخ‌نامه مشکل داوطلب به طور کامل مرتفع شود. گاهی در بررسی ابیات دشوارتر، معنی بیت را هم آورده‌ایم؛ ولی در اکثر اوقات به آوردن مفهوم بیت اکتفا کرده‌ایم. همان‌طور که قبلاً گفتیم در طرح سؤالات، پوشش کامل مطالب کتاب درسی را در نظر داشته‌ایم. در پاسخ تشریحی هم هدفمان این بوده است که تمام مفاهیم مهم کتاب تشریح و تحلیل شوند.

چگونه از کتاب قرابت هفت خان استفاده کنیم؟

توصیه ما این است که از همان آغاز، هم‌زمان با مطالعه درس‌نامه‌ها، پاسخ‌دادن به سؤالات درس‌به‌درس را شروع کنید. درس‌نامه فصل‌های سوم و چهارم را با هم پیش ببرید. در فصل چهارم اگر بتوانید هر شب تست بزیند بیشترین بازدهی را از این بخش خواهید گرفت. مطالعه این بخش تا اسفندماه ادامه پیدا خواهد کرد، فقط مهم است به تدریج و با نظم پیش بروید. کمی که از مطالعه فصل چهارم گذشت و کم‌کم دستتان در پاسخگویی به سؤالات قرابت روان شد (اگر شبی پانزده دقیقه تست بزیند، حدوداً دو یا سه ماه زمان می‌برد تا در پاسخگویی به تست‌های قرابت روان شوید) لازم است در کنار سؤالات فصل چهارم به سؤالات فصل ششم هم پاسخ دهید. در ابتدا هر هفته به یک آزمون پاسخ دهید. بعد از دو یا سه ماه، تعداد آزمون‌ها را به دو آزمون در هفته افزایش دهید و بعد از آن سه آزمون را در یک هفته بررسی کنید. در پایان، از همه دوستانمان در انتشارات خیلی سبز صمیمانه تشکر می‌کنیم:

- دکتر کامیل نصری، مثل همیشه روحیه‌بخش و کاربلد؛ آقای دکتر نصری از شما ممنونیم.
- جناب آقای احمدپور، مدیر مدبر تألیف بوده‌اند. از ایشان صمیمانه سپاس گزاریم.
- جناب آقای سیاوش خوشدل، خانم‌ها مینا سعیدی ملک و الهه آرنانی حصارى زحمت و برایش و اصلاح کتاب را کشیده‌اند. از همه این بزرگواران سپاس گزاریم که با نظر موشکافانه خود تک‌تک تست‌ها و پاسخ‌ها را خوانده‌اند و خطاها را به مؤلفین یادآور شده‌اند. جناب آقای دکتر بقائی نیز همچون همیشه در کنار ما بودند و راه نمودند، از ایشان نیز ممنونیم.
- سرکار خانم هدی ملک‌پور، با جدیت همراه مهربانی، مسئول این پروژه بوده‌اند. خانم ملک‌پور قدردان زحمات شما هستیم.
- آراستگی این کتاب، به عهده همکاران حرفه‌ای ما در واحد تولید بوده است. حسن ختام این مقدمه، تشکر ویژه از این دوستان است.

فهرست

۷	فصل اول: (آشنایی با قرابت معنایی در کنکور)
۸	الگوهای تستی کنکور
۱۴	فصل دوم: (چگونه شعر بخوانیم؟)
۱۵	الف. درست خوانی
۱۷	ب. مرتب کردن شعر
۱۹	پ. معنی و مفهوم
۲۰	فصل سوم: (واژگان کلیدی + فهرست آیات + فهرست نمادها)
۲۱	واژگان کلیدی
۲۱	الف. چند تلفظی‌ها
۳۶	ب. چند معنایی‌ها
۶۱	فهرست آیات، احادیث و عبارات‌های عربی کتاب‌های علوم و فنون
۶۲	فهرست نمادها و سنت‌های ادبی رایج در شعر فارسی
۷۴	فصل چهارم: (مفاهیم رایج در ادبیات فارسی)
۷۵	الف. ادبیات تعلیمی (مجموعه درس‌نامه و تست)
۱۲۵	ب. ادبیات عاشقانه (مجموعه درس‌نامه و تست)
۱۷۵	پ. ادبیات عارفانه و حمد و ستایش (مجموعه درس‌نامه و تست)
۱۹۹	ت. ادبیات ملی و میهنی و حماسی (مجموعه درس‌نامه و تست)
۲۰۹	فصل پنجم: (لغت و معنی)
۲۱۰	الف. لغات علوم و فنون ادبی ۱
۲۱۴	ب. لغات علوم و فنون ادبی ۲
۲۱۷	پ. لغات علوم و فنون ادبی ۳
۲۲۰	فصل ششم: (آزمون‌های جامع)
۲۲۱	الف. آزمون‌های جامع قرابت معنایی
۲۶۱	ب. آزمون‌های لغت
۲۶۸	پاسخ‌نامه تشریحی
۳۷۳	پاسخ‌نامه کلیدی



فصل اول: آشنایی با قرابت معنایی در کنکور

از مجموع سی سؤال درس ادبیات، پنج سؤال آن به قرابت معنایی تعلق دارد. ما در این بخش علاوه بر معرفی همه الگوهایی که تاکنون در کنکور سراسری مطرح شده، به نحوه مواجهه و تکنیک پاسخگویی به هر الگو نیز می‌پردازیم.

الگوی شماره ۱

بیت یا عبارتی در صورت سؤال داده می‌شود و از ما می‌خواهند گزینه‌ای را بیابیم که با صورت سؤال تناسب مفهومی دارد. نمونه:

(اختصاصی، داخل ۱۴۰۰)

مثال مفهوم کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

این‌که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را
روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع
(۱) کاش چون شمع همه سر شود اعضای کلیم
تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود
(۲) وصل جانان قسمت اهل هوس شد ای دریغ
گل نصیب دست گلچین است گویی نیست هست
(۳) تا گشودم دیده روشن در این ظلمت‌سرا
خرج اشک و آه شد جسم نزارم همچو شمع
(۴) قسمت ما چون کمان از سهم خود خمیازه‌ای است
هر چه داریم از برای دیگران داریم ما

پاسخ از آن‌جا که در سؤال فقط با یک بیت سروکار داریم، ابتدا باید مفهوم کلی بیت سؤال را استخراج کنیم، سپس در میان گزینه‌ها به دنبال بیتی بگردیم که بیشترین قرابت را با آن مفهوم دارد. اصل مقایسه مفاهیم در این الگو بسیار مهم است؛ زیرا دست کم دو بیت از میان گزینه‌ها تا حدودی به حال و هوای کلی بیت سؤال نزدیک است؛ مثلاً در این تست با کمی تأمل و بدون درگیر شدن با حواشی و آرایه‌های بیت، متوجه می‌شویم مفهوم کلی بیت «کمک به دیگران» یا به تعبیر شاعر «روشنی‌بخشی در کار مردم» است. مفهوم کلی گزینه (۱) «جان‌فشانی عاشق»، مفهوم گزینه (۲) «تأسف خوردن بر از دست دادن معشوق»، مفهوم گزینه (۳) «شکایت از رنج و سختی در دنیا» و مفهوم گزینه (۴) «فداکاری برای دیگران» است. از میان این مفاهیم قطعاً شما هم موافقید که **گزینه (۴)** با صورت سؤال قرابت دارد و اوضاع بهتری نسبت به سایر گزینه‌ها دارد.

نکته ۱ در تمام الگوها، از جمله همین الگو، ما باید در پی نزدیکی یا یکسانی «مفاهیم» باشیم، نه این‌که همه چیز دو بیت کاملاً شبیه هم باشند. ممکن است بیت صورت سؤال با گزینه پاسخ در جوهی اختلاف هم داشته باشد، آن‌چه مهم است نزدیکی یا یکسانی «مفهوم کلی» دو بیت است؛ مثلاً در بیت صورت سؤال همین تست، شاعر می‌گوید «خود را بر آب و آتش می‌زدم تا به دیگران کمک کنم»؛ اما در گزینه پاسخ، بخش نخست یعنی «خود را به آب و آتش زدن» وجود ندارد؛ اما به این دلیل این گزینه را انتخاب کردیم که مفهوم کلی آن، کمک کردن به دیگران است. پس به خاطر داشته باشید که:

آن‌چه اهمیت دارد مفهوم کلی دو بیت است، نه جزئیات و امور فرعی آن‌ها.

پاورقی

۱- در دیوان صائب تبریزی به جای «سهم» واژه «صید» آمده که به نظر می‌رسد در تست کنکور خطای تایپی رخ داده است.

نکته ۲ در این الگوی تست، نیاز نیست معنا و یا حتی مفهوم همه بیت‌ها را بدانیم، کافی است مطمئن شویم صورت سؤال با یک گزینه قرابت دارد. یکی از دام‌های این تست این است که طراح در برخی گزینه‌ها، ابیات دشواری انتخاب می‌کند که حتی روخوانی آن‌ها نیز دشوار است، چه برسد به استخراج مفاهیم آن‌ها. مواظب باشید ناامید نشوید و هر چهار گزینه را تا انتها بخوانید، اگر گزینه‌ها را نمی‌فهمید سریع به سراغ گزینه بعدی بروید، چه بسا در گزینه بعدی به بیت واضح و ساده‌ای برسیم که مفهوم آن منطبق با بیت سؤال باشد و بتوانیم با اطمینان خاطر آن را به عنوان پاسخ برگزینیم. پس به خاطر داشته باشید که:

با دیدن یک یا دو بیت سخت نباید دست از کار بکشیم؛ بلکه باید همه گزینه‌ها را تا انتها بخوانیم.

نکته ۳ معمولاً برخی کلیدواژه‌هایی که در بیت صورت سؤال هست، در برخی از گزینه‌ها نیز می‌آید؛ مثلاً واژه «شمع» در گزینه‌های (۱) و (۳) همین تست، توجه داشته باشید این کلیدواژه‌ها شما را از پاسخ درست دور نکند و فقط به مفهوم کلی ابیات توجه کنید.

الگوی شماره ۲

بیت یا عبارتی در صورت سؤال داده می‌شود و از ما می‌خواهند گزینه‌ای را بیابیم که با صورت سؤال «تقابل» مفهومی دارد و یا صورت سؤال را «نقض» می‌کند. نمونه:

مثال کدام بیت با بیت زیر تقابل مفهومی دارد؟ (اختصاصی، خارج ۹۹)

عجب نیست از گل که خندد به سروی که در این چمن پای در گل نشیند
 (۱) اگر چو مرغ بنالم تو همچو سرو بالایی وگر چو ابر بگیریم تو همچو غنچه بخندی
 (۲) ای سرو اگر آسودگیات می‌دهد آزار از برگ بشو دست، گریبان ثمر گیر
 (۳) سرو از بی‌حاصلی بر یک قرار استاده است از تزلزل نیست ایمن هیچ نخل میوه‌دار
 (۴) به ظاهر سرو را هرچند پا در گل بود صائب همان غافل ز سیر عالم بالا نمی‌باشد

پاسخ راهبرد حل کردن این الگو نیز همانند الگوی قبلی است؛ یعنی ابتدا فارغ از پیچیدگی‌ها و آرایه‌های بیت، به استخراج مفهوم کلی صورت سؤال می‌پردازیم، سپس به همین طریق مفهوم کلی گزینه‌ها را نیز استنباط می‌کنیم و در نهایت مفهومی که در تضاد با مفهوم صورت سؤال است به عنوان پاسخ انتخاب می‌کنیم. در این تست مفهوم نهایی صورت سؤال «نکوهش ایستایی و بی حرکت بودن درخت سرو» است و شاعر این بی حرکتی را نکوهش کرده و حتی گل بابت این انفعال و بی جنبشی به سرو می‌خندد. مفهوم گزینه (۱) «بی توجهی معشوق به رنج عاشق»، مفهوم گزینه (۲) «آزادگی سرو»، مفهوم گزینه (۳) «خوش بودن موجودات بی‌فایده و رنج بردن موجودات مفید» و مفهوم گزینه (۴) «سیر معنوی سرو در عین پا در گل بودن» است. می‌بینید که مفهوم **گزینه (۴)** به گونه‌ای در مقابل صورت سؤال است.

نکته مواظب باشید در این الگو، معمولاً طراح یکی دو گزینه متناسب با صورت سؤال نیز در بین گزینه‌ها قرار می‌دهد (مانند گزینه (۱) در همین سؤال)، زیرا بسیاری از داوطلبان کلمه «مقابل» یا «متقابل» یا «نقض» یا «تضاد» یا «متضاد» را در صورت سؤال نمی‌بینند و برحسب عادت به سراغ مفهوم «متناسب» می‌روند! پس به خاطر داشته باشید که:

صورت سؤال را به دقت بخوانید و اگر واژه‌هایی مثل مقابل، متقابل، متضاد ... در صورت سؤال وجود دارد، حتماً آن را نشان دار کنید.

فصل دوم: چگونه شعر بخوانیم؟

الف. درست خوانی

مهم‌ترین کار برای برقراری ارتباط با یک بیت، درست خواندن آن است. حتماً برایتان پیش آمده بیتی را می‌خوانید و از معنی آن سر در نمی‌آورید؛ ولی همان بیت را وقتی دوست یا معلمتان برایتان می‌خواند، پیش از آن که معنی آن را برایتان بگوید خودتان به معنی شعر پی برده‌اید؛ یعنی مشکل این بوده که نتوانسته بودید آن را درست بخوانید. به بیت زیر دقت کنید:

دلارام در بــــر، دلارام جـــــوی لب از تشنگی خشک بر طرفِ جوی

احتمالاً چندان از معنی و مفهوم آن سر در نیاورده‌اید، بیت واژه‌دشواری ندارد، اجزای آن نیز مرتب است، مشکل یک چیز بیشتر نیست: نتوانسته‌اید بیت را به درستی بخوانید. اکنون معنی بیت را می‌گوییم، سعی کنید براساس معنی، آن را درست بخوانید. سعدی می‌فرماید:

[عاشق] معشوقش در کنارش هست؛ اما باز هم در جست‌وجوی معشوق است، [مثل کسی که] بر کنارهٔ جوی آب است؛ اما تشنه است.

مفهوم: عاشق در کنار یارش نیز آرام و قرار ندارد.

قبل از این که وارد جزئیاتی بشویم که به شما در درست خواندن کمک می‌کند، چند توصیهٔ عمومی در راستای بهتر خوانی داریم:

۱. گوش دادن به شعر: با توجه به این که اشعار بسیاری از شاعران به صورت صوتی نیز موجود است، یکی از کارهای مفید و فرح‌بخش که زمان چندان هم نیاز ندارد، گوش دادن به شعر است. هم فال است و هم تماشا! هم‌زمان که شعر برایتان خوانده می‌شود به شکل مکتوب شعر هم نگاه کنید؛ مثلاً می‌توانید به سایت گنجور^۱ مراجعه کنید و پس از انتخاب شاعر مورد علاقهٔ خود و انتخاب یکی از اشعارش، صدا را پخش کنید. هم‌زمان که شعر را می‌شنوید با نگاهتان بیت‌ها را تعقیب کنید. پس از پایان شعر خوانی، خود را محک بزنید و این بار سعی کنید شعر را با رعایت همان ریتم و وزن بخوانید. این کار وقت چندان از شما نمی‌گیرد، اما بعد از چند ماه تأثیر شگفت‌انگیز آن را خواهید دید. پیشنهاد ما برای شروع، دیوان پروین اعتصامی است. برای دانش‌آموزانی که سطح خود را متوسط ارزیابی می‌کنند، غزلیات سعدی یا بوستان سعدی و برای افرادی که سطح خوبی دارند اما می‌خواهند در درست خوانی حرفه‌ای شوند، دیوان حافظ مناسب است.

۲. بلند خوانی شعر: باور کنید شعر برای بلند خواندن آفریده شده! وقتی مشغول تمرین قبل هستید و یا اصولاً هرگاه شعر می‌خوانید، در حدی که صدای خودتان را بشنوید آن را بلند بخوانید؛ شعر وزن و آهنگ دارد، موسیقی دارد، هنگامی که شعر را بلند بخوانید بهتر متوجهٔ به هم ریختن موسیقی‌اش می‌شوید. خارج شدن شعر از وزن و آهنگش، هشدار است که اعلام می‌کند یک جای خواندنتان اشکال دارد! برگردید و سعی کنید بدون آن که از موسیقی و وزن شعر خارج شوید مجدداً آن را بخوانید، آن قدر با شعر کلنجر بروید تا جریان موسیقی شعر بدون دست‌انداز تا انتها پیش برود.

پاورقی

۱- ما محض نمونه این سایت را آوردیم، شما می‌توانید از فایل‌ها و سایت‌های دیگری نیز که منابع صوتی اشعار را دارند، استفاده کنید.



تمرین

ابتدا بیت را بخوانید، سپس براساس آهنگ شعر، یکی از دو گزینه پیشنهادی را انتخاب کنید:

(۱) رند عالم سوز را با مصلحت بینی چه کار؟
 (الف) کار مُلک است آن که تدبیر و تأمل بایش
 (ب) کار مَلک است آن که تدبیر و تأمل بایش

(۲) نه سرو نازد چون قامت تو در بستان
 (الف) نه سرو نازد چون قامت تو در بستان
 (ب) نه سرو نازد چون قامت تو در بستان

پاسخ (۱) الف (۲) ب

۳. نشانه‌های هدایت‌کننده: تلفظ متفاوت واژه، معنی متفاوت پدید می‌آورد و امکان دارد باعث بدفهمی شود. فرض کنید در یک بیت، واژه چندتلفظی «بیر» به کار رفته، هنگام خواندن بیت وقتی به این واژه می‌رسیم نمی‌دانیم کدام تلفظ را انتخاب کنیم؛ این واژه در زبان فارسی سه تلفظ دارد: «بَبْر»، «بَبْرُ» و «بَبْرُ». یکی از راهبردهایی که در چنین وضعیتی به ما کمک می‌کند توجه به «نشانه‌های هدایت‌کننده» بیت است؛ یعنی نشانه یا نشانه‌هایی که ما را به سمت تلفظ درست واژه هدایت می‌کند. در ضمن سعی کنید همیشه به هنگام خواندن بیت، چشمتان یک ثانیه جلوتر از زبانتان حرکت کند تا با دیدن واژه‌های چندتلفظی فرصت بیشتری به ذهن بدهید تا تلفظ درستش را بفهمد. به نمونه‌های زیر توجه کنید و سعی کنید با پیدا کردن نشانه هدایت‌کننده، تلفظ درست واژه «بیر» را حدس بزنید:

(۱) روز بزم است نه روز رزم است خنجرِ جنگِ بیر، چنگِ بیار
 (۲) تیغِ عیاری بکش سرهای مشتاقان بیر پس طریقِ عشق‌بازی را ز سر بنیاد کن
 (۳) اندر آن بیشه که یک بار گذر کرد ملک نکند شیر مقام و نهدد بیر، آواز

پاسخ در بیت (۱)، «بیار» نشانه مناسبی است که این واژه را «بَبْر» بخوانیم. در بیت (۲)، «تیغ و سر» نشانه‌های مناسبی هستند که این واژه را «بَبْر» بخوانیم. در بیت (۳)، «شیر» نشانه مناسبی است که این واژه را «بَبْر» بخوانیم!

گاهی نیز با واژگان «چندمعنایی» سروکار داریم؛ یعنی در تلفظ واژه مشکلی نداریم، بلکه واژه دارای چند معنی است. بهترین راه پی‌بردن به معنی چنین واژگانی باز هم توجه به نشانه‌هاست؛ مثلاً واژه «مردم» در گذشته، علاوه بر معنی «انسان» به معنی «مردمک» چشم نیز بوده است. وقتی به بیتهایی می‌رسیم که چنین واژه‌ای در آن به کار رفته، باید به نشانه‌های هدایت‌کننده توجه کنیم؛ مثلاً در مصراع «ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است» واژه «چشم» نشانه هدایت‌کننده‌ای است که بدانیم «مردم» در این بیت به معنی «مردمک» است.^۲

۴. الصبر مفتاح الفرج: نکته پایانی این بخش ویژه شعرخواندن نیست، بلکه در هر فعالیت مهارت‌محور باید آن را مد نظر داشته باشیم. در این نوع فعالیت‌ها در اغلب موارد کار بسیار کند و آرام پیش می‌رود، اگر بدانیم که این پیشرفت لاک‌پشتی، ویژگی این نوع فعالیت‌ها هستند، هرگز ناامید و سرخورده نمی‌شویم. پیشرفت آهسته در این فعالیت‌ها بیشتر از آن که به توانایی‌های ما ارتباط داشته باشد، خاصیت این‌گونه مسیرهاست. تردید نداشته باشید با تمرین و پشتکار، آرام‌آرام با وزن و ریتم اشعار خو می‌گیرید و پس از چند ماه اشعار را به راحتی و به درستی می‌خوانید. یادتان باشد که درست‌خوانی دروازه اصلی ورود به دنیای شعر است.



۱- ما در فصل سوم، یعنی فصل «واژگان کلیدی»، سعی کردیم مهم‌ترین واژگان چندتلفظی را برایتان فهرست کنیم تا با خواندن و انجام تمرین‌های آن، حسابی در این مبحث مهارت کسب کنید.

۲- در فصل سوم، علاوه بر واژه‌های چندتلفظی، فهرست واژگان چندمعنایی را به همراه تمرین‌هایی برایتان آماده کرده‌ایم.



ب. مرتب کردن شعر

بعد از آن که شعر را درست خواندید، قدم اول برای فهم آن، مرتب کردن جملاتش است؛ مرتب کردن یعنی «نهاد» در ابتدای جمله، سپس سایر اجزا و در انتها هم «فعل» بیاید. به نمونه زیر دقت کنید:

آرزو می‌خواه، لیک اندازه خواه برنتابد کوه را یک برگ کاه
هر دو جمله مصراع اول مرتب است، اما در مصراع دوم، یک جمله داریم که ارکان آن به هم ریخته است، شکل مرتب مصراع دوم این گونه است: یک برگ کاه، کوه را بر نمی‌تابد (= تحمل نمی‌کند).

تمرین

مصراع‌های مرتب را علامت بزنید:

- (۱) زندان جان پاک بود تنگنای خاک
(۲) نهال خوش ثمر رهگذار طفلانیم
(۳) مهر بتان در آب و گل ما سرشته‌اند
(۴) گرچه غیر از سایه ما را نیست دیگر میوه‌ای
- پاسخ: شماره‌های ۲ و ۳ مرتب هستند. صورت مرتب‌شده شماره‌های ۱ و ۴:
(۱) تنگنای خاک، زندان جان پاک بود. / (۴) گرچه غیر از سایه، دیگر میوه‌ای برای ما نیست.

نکات مربوط به مرتب کردن ابیات

۱. ارتباط دستوری دو مصراع: گاهی بخشی از مصراع اول در مصراع دوم می‌آید و یا بخشی از مصراع دوم در مصراع اول می‌آید؛ مثلاً در نمونه زیر، فعل «برآمدی» متعلق به مصراع اول است:

تو بودی آن دم صبح امید کز سر مهر برآمدی و سرآمد شبان ظلمانی
یعنی: تو آن دم صبح امید بودی که از سر مهر برآمدی و شبان ظلمانی سرآمد.

تمرین

نمونه‌های زیر را مرتب کنید:

- (۱) زاغ سپهر، گوهر پاک بسی وجود بنهفت زیر خاک و ندانست گوهر است
(۲) تو را در آینه دیدن جمال طلعت خویش بیان کند که چه بوده است ناشکیبا را
- پاسخ: (۱) زاغ سپهر، گوهر پاک بسی وجود زیر خاک بنهفت و ندانست گوهر است.
(۲) جمال طلعت خویش را در آینه دیدن برای تو بیان می‌کند که برای ناشکیبا چه بوده است.
۲. جابه‌جایی مصراع‌ها: گاهی برای پی‌بردن به فهم درست یک بیت نیاز است که مصراع‌های آن را جابه‌جا کنیم. به نمونه زیر توجه کنید:
- قیمت عشق نداند قدم صدق ندارد سست‌عهدی که تحمل نکند بار جفا را
ابتدا باید دو مصراع را جابه‌جا کنیم، سپس به مرتب کردن هر کدام از مصراع‌ها بپردازیم:
- سست‌عهدی که تحمل نکند بار جفا را قیمت عشق نداند قدم صدق ندارد

تمرین

کدام یک از دو بیت زیر برای مرتب کردن نیاز به جابه‌جایی مصراع دارند؟ آن را مرتب کنید.

الف) دعوی درست نیست گر از دست نازنین چون شربت شکر نخوری زهر ناب را
ب) خار است به زیر پهلوانم بی روی تو خوابگاه سنجاب

پاسخ: (ب): خوابگاه سنجاب (= بستری از جنس پوست سنجاب) بی روی تو، [مانند] خاری به زیر پهلوانم است.



۳. حذف برخی از ارکان جمله: گاهی برخی از ارکان یک جمله حذف می‌شوند، طبیعی است که برای دریافت مفهوم درست، باید رکن یا ارکان محذوف را در جای خود بگذاریم. نمونه برای حذف فعل:

به دوستی که اگر زهر باشد از دستت چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را صورت مرتب‌شده: به دوستی [سوگند می‌خورم] که اگر از دست تو زهر باشد، چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را [می‌خورم]؛ یا به این نمونه توجه کنید:

ما عیب کس به رندی و مستی نمی‌کنیم لعل بتان خوش است و می خوشگوار هم در مصراع دوم علاوه بر فعل، مسند نیز حذف شده است: لعل بتان خوش است و می خوشگوار هم [خوش است].

تمرین

در نمونه‌های زیر، فعل‌های محذوف را بر سر جایش بگذارید:

(۱) چندت کنم حکایت شرح این قدر کفایت باقی نمی‌توان گفت الاّ به روزگاران

(۲) سلطان صفت همی‌رود و صد هزار دل با او چنان که در پی سلطان رود سپاه

پاسخ (۱) چندت کنم حکایت شرح این قدر کفایت [است]. (۲) سلطان صفت همی‌رود و صد هزار

دل با او چنان [رود] که در پی سلطان سپاه رود.

۴. توجه به نقش ضمیر پیوسته: گاهی نامرتب بودن جمله به علت نامشخص بودن ضمیر پیوسته است، در این موارد باید ابتدا ضمیر پیوسته را تبدیل به ضمیر گسسته کنید و سپس آن را بر سر جای خود بنشانید و نقش آن را معلوم کنید تا سریع‌تر به مفهوم بیت دست پیدا کنید. نمونه:

نگفتمت مرو آن‌جا که مبتلات کنند؟ که سخت دست‌درازند و بسته‌پات کنند

ضمیرهای بیت این‌چنین مرتب می‌شوند: به تو نگفتم به آن‌جا مرو که تو را مبتلا کنند؟ که سخت دست‌درازند و تو را بسته‌پا (= گرفتار) کنند.

تمرین

ضمیرهای پیوسته را مشخص کرده‌ایم، آن‌ها را در جای درست خود قرار دهید:

(۱) گرت ز دست برآید مراد خاطر ما به دست باش که خیری به جای خویشتن است

(۲) کسی کیش زلیخا بود دوستدار چو یوسف به تهمت به زندان شود

(۳) بکن چندان که خواهی جور بر من که دستت برنمی‌دارم ز دامن

پاسخ (۱) اگر از دست برآید. (۲) کسی که زلیخا دوستدارش بود. (۳) که دست از دامن برنمی‌دارم.

۵. پیشوند نفی فعل: نشانه نفی در زبان فارسی «ن» است؛ مثلاً: نرفت. اما گاهی در شعر نشانه نفی تبدیل به «نه» می‌شود و از فعل خود جدا می‌شود؛ به بیت مشهور زیر توجه کنید:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
اگر به مصراع دوم دقت کنید متوجه می‌شوید منظور جناب سعدی از «نه ... است» فعل نفی «نیست» می‌باشد: نه همین لباس زیباست نشان آدمیت ← همین لباس زیبا، نشان آدمیت نیست.

تمرین

در موارد زیر «نه» نشانه نفی است. با منفی کردن فعل‌ها جملات را مرتب کنید.

(۱) بگذار که شاعری نه این است آیین سخن نه این‌چنین است

(۲) برگ خواجه‌اگر از لطف بسازی چه شود کاندرین راه نه با توشه و ساز آمده‌ایم

پاسخ (۱) شاعری نه این است ← شاعری این نیست. / نه این‌چنین است ← این‌چنین نیست. /

(۲) نه با توشه و ساز آمده‌ایم ← با توشه و ساز نیامده‌ایم.

هرگاه کلمات یک بیت را معنی کنیم و جملات و اجزای جملاتش را مرتب کنیم، اصطلاحاً بیت را «معنی» کرده‌ایم و هرگاه با نگاهی کل‌نگرانه مقصود و مراد شاعر را در یکی دو کلمه یا با یک عبارت کوتاه بیان کنیم، اصطلاحاً به بیان «مفهوم» بیت پرداخته‌ایم. مثلاً به بیت زیر توجه کنید:

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر آری شود ولیک به خون جگر شود
 ﴿معنی بیت: می‌گویند سنگ با صبوری تبدیل به لعل می‌شود، بلکه تبدیل به لعل می‌شود، اما با رنج و سختی فراوان. مفهوم: صبر حلال مشکلات است.

در قرابت معنایی ما با مفهوم سروکار داریم، نه با معنی. پس از درست خواندن بیت، چندان درگیر معنی لفظ به لفظ آن نشوید و سعی کنید مفهوم کلی آن را استخراج کنید. سعی کنید در ورای جابه‌جایی‌ها، حذف‌ها و آرایه‌ها، منظور شاعر را کشف کنید، از خودتان بپرسید هدف یا مقصود شاعر از سرودن این بیت چه بوده است. پاسخی که به این سؤال می‌دهید مفهوم بیت است. به نمونه زیر توجه کنید:

چرا چو لاله نشکفته سرفکنده نه‌ای؟ که آسمان ز سرافکنندگی است پابرجا
 ﴿معنی بیت: چرا همچون لاله نشکفته، سر به پایین نداری؟ زیرا آسمان به علت سرافکنندگی پابرجاست. ← مانند لاله و آسمان سر به زیر باش. ← توصیه به فروتنی (مفهوم)

تمرین

با توجه به معنی ابیات، مفهوم درست را انتخاب کنید:

- (۱) چو دریاست عشقت که هرچند در وی صدف جویم الا نهنگی نبینم
 الف) دشواری راه عشق (ب) بی‌پروایی عاشق
- (۲) چو در کشتی نوحی، مست و خفته چه غم داری اگر طوفان در آمد؟
 الف) با خدا باش و پادشاهی کن (ب) بی‌توجهی عاشق به خطرات و سختی‌های راه عشق
 ﴿پاسخ: (۱) عشقت مثل دریایی است که در آن گوهر وجود ندارد، بلکه فقط نهنگ وجود دارد. ← دشواری راه عشق / (۲) وقتی در کشتی نوح هستی، از طوفان غمی نداری. ← با خدا باش و پادشاهی کن

تمرین

براساس مفهومی که از هر بیت استنباط می‌کنید، یکی از مصراع‌های پیشنهادی را انتخاب کنید:

- (۱) گر اشتیاق کعبه بدین‌سان بود بسی ما را به گرد کوه و بیابان برآورد
 الف) چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها (ب) به راه بادیه دانند قدر آب زلال
- (۲) بی توام دل به تماشای گلستان نرود مرغ پرسوخته ممکن نبود پروازش
 الف) بی تو دل دوزخ است و با تو بهشت (ب) ما را که تو منظوری خاطر نرود جایی
- (۳) ضمیر هر درخت ای جان ز هر دانه که می‌نوشد شود بر شاخ و برگ او نتیجه شرب او پیدا
 الف) گندم از گندم بروید جو ز جو (ب) مقدار هر درخت پدید آید از ثمر
- (۴) داغ پنهانم نمی‌بینند و مهر سر به مهر آن‌چه بر اجزای ظاهر دیده‌اند آن گفته‌اند
 الف) می‌دهد ظاهر هر کس خبر از باطن او (ب) دل ز معنی طلب، ز حرف مجوی
- ﴿پاسخ: (۱) شوقی که به کعبه داریم، ما را به کوه و بیابان می‌کشاند. ← چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها / (۲) بدون تو دلم میلی به گشت و گذار در گلستان ندارد. ← ما را که تو منظوری خاطر نرود جایی / (۳) هر درخت براساس بذر و دانه‌اش رشد می‌کند و شاخه و برگش، تجلی بذر اوست. ← هر بذری بکارید گیاه همان بذر رشد می‌کند. ← گندم از گندم بروید جو ز جو / (۴) داغ و درد پنهانی مرا نمی‌بینند و فقط براساس ظاهر، من را قضاوت می‌کنند. ← باطن مهم است و ظاهر گمراه‌کننده است. ← دل ز معنی طلب، ز حرف مجوی

فصل سوم: واژگان کلیدی + فهرست آیات + فهرست نمادها

واژگان کلیدی

آشنایی با برخی واژه‌ها، تلفظ درست آن‌ها و دانستن معنی یا معانی متفاوت آن‌ها کمک زیادی به فهم درست ابیات می‌کند. همان‌طور که در فصل دوم اشاره کردیم در زبان فارسی گاهی واژگان ظاهری یکسان، اما تلفظ و معنایی متفاوت دارند؛ مثلاً واژه «خرد» به شکل‌های «خَرَد»، «خَزَد» و «خَرَد» تلفظ می‌شود و هر کدام معنی متفاوتی با دیگری دارد. گاهی نیز یک واژه، معانی متعددی دارد و هنگام مواجهه با چنین واژه‌هایی باید بدانیم کدام معنی مد نظر شاعر است؛ مثلاً واژه «دستان» می‌تواند جمع «دست» باشد، یا «لقب پدر رستم»، «آهنگ»، «فریب» و ... در فصل دوم نحوه مواجهه با چنین واژگانی را توضیح دادیم و وعده دادیم که در فصلی جداگانه چنین واژگانی را برایتان فهرست کنیم. در این فصل، دو فهرست مجزا برایتان آماده کرده‌ایم:

الف) فهرست چندتلفظی‌ها ب) فهرست چندمعنایی‌ها

توجه داشته باشید که این فصل مثل کتاب‌های مرجع است؛ یعنی نیازی نیست تک‌تک کلمات، تلفظ‌های آن‌ها و معنای متفاوتشان را حفظ کنید، بلکه با خواندن و حل تمرین‌ها، آرام‌آرام ذهنتان به چنین واژه‌هایی حساس می‌شود و هنگامی که در بیتی آن‌ها را می‌بینید کمی هوشیارانه‌تر با بیت مواجه می‌شوید. بنابراین بدون تلاش برای به حافظه سپردن، فقط بخوانید و تمرین حل کنید. حتی بهتر است در طول سال تحصیلی چندین بار چنین کاری با این دو فهرست انجام دهید.

الف. چندتلفظی‌ها

گاهی دو یا چند واژه، شکل نوشتاری یکسان، ولی تلفظ و معنای متفاوتی دارند. تلفظ و خواندن درست این واژه‌ها در درک معنای متن یا شعر، بسیار حائز اهمیت است. ما این‌جا کلمات را داخل ابیات، حرکت‌گذاری کرده‌ایم تا شما بیت را درست بخوانید. اما در سؤالات کنکور، این حرکت‌گذاری‌ها انجام نمی‌شود.

نمونه	معنی	لغت
ما همه چشمیم و تو نور ای صنم چشم بَد از روی تو دور ای صنم	شَر	بَد
چنان بُد عاشق طاعت در آسرار که روز و شب بُد اندر خدمت یار	مخفّف «بود»	بُد
نیک‌نامی خواهی ای دل با بدان صحبت مدار خودپسندی جان من برهان نادانی بود	جمع بد؛ انسان‌های بد	بدان



بدان	به + آن؛ به آن	دلی که با سر زلفین او قراری داد گمان مبر که بدان دل، قرار بازآید
بدان	آگاه باش، دانسته باش (فعل امر)	گفته بُدی من ندانم و نتوانم داد تو دادن یقین بدان که تو دانی

تقرین واژه‌های مشخص شده چه تلفظ و چه معنایی دارند؟

(۱) آن‌گه که به اخلاص و درونِ صافی او را باشی **بدان** که او نیز تو راست
(۲) خنده شادی خطر بسیار دارد در کمین پسته زیر پوست از چشم **بدان** پنهان شده است
(۳) بلی قضاست به هر نیک و **بد** عنان کشِ خلق **بدان** دلیل که تدبیرهای جمله خطاست
(۴) چنان بگذشته **بد** از نیک و از **بد** که **بد** یکسان بر او نیک با **بد**

پاسخ (۱) **بدان** (فعل امر از دانستن) (۲) **بدان** (۳) **بد**، **بدان** (= به آن) (۴) **بد**، **بُد**، **بَد**

بستان	بگیر	زین بی‌خردان سفله بستان دادِ دلِ مردمِ خردمند
بُستان	گلزار و گلستان	رونق عهد شباب است دگر بُستان را می‌رسد مژده گل بلبلِ خوش‌آلحان را

تقرین تلفظ واژه‌ها را مشخص کنید.

(۱) ای سرو دوصد **بستان** آرامِ دلِ مستان بُردی دل و جان **بستان** زنهار مخسب امشب
(۲) ما گل به پاسبان گلستان گذاشتیم **بستان** به پرورنده **بستان** گذاشتیم

پاسخ (۱) **بُستان** (نشانه: سرو) (۲) **بستان** (نشانه: بُردی دل را، جان را هم **بستان**).
(۲) **بُستان** را به پرورنده **بُستان** گذاشتیم.

به	حرف اضافه	ز مرگ تلخ به ما بدگمان مشو زنهار که از طلسم غم آزاد می‌کنیم تو را
بِه	بِهتر	هست تنهایی بِه از یاران بَد نیک چون با بد نشیند بَد شود
بِه	نام میوه‌ای مشهور	باری غرور از سر بنه و انصاف درد من بده ای باغ شفتالو و بِه ما نیز هم بد نیستیم

تقرین تلفظ «به» را در ابیات زیر مشخص کنید.

(۱) هر که **به** خس کرد قناعت خسی است **به** طلبی کن که **به** از **به** بسی است
(۲) چون نیست طریقی که **به** مقصود رسم **آن** **به** که **به** نابودن خود زود رسم

پاسخ (۱) **به**، **بِه** (به طلبی: در جست‌وجوی بهترها رفتن)، **بِه**، **بِه** (= بهتر از بهتر هم بسیار است).
(۲) **به**، **بِه**، **بِه**

پاورقی

۱- «به» در معنی حرف اضافه و «بِه» به معنی بهتر هر دو کسره دارند اما برای نشان دادن تفاوت این دو واژه فقط برای «بِه» به معنی «بِهتر» کسره گذاشتیم.



ب. چندمعنایی‌ها

بعضی واژه‌ها در املا و تلفظ، هیچ تفاوتی با هم ندارند؛ ولی معنای آن‌ها با هم فرق دارد. برای فهمیدن معنی درست جمله باید بدانیم واژه در کدام معنی به کار رفته است؛ مثلاً معنی فعل «ساختن» در جملات: «او ویلایی را در شمال برای خودش ساخت.»، «او با مشکلات خودش ساخت.» و «آب و هوای تبریز به او ساخت.» کاملاً با هم متفاوت است. جدول زیر، تعدادی از این واژگان را به شما معرفی می‌کند.^۱

نمونه	معنی	لغت
ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت؟ و ای مرغ بهشتی که دهد دانه و آب؟	H ₂ O	آب
هرچند بردی آبم روی از درت نتابم جور از حیب خوش‌تر کز مدّعی، رعایت	آبرو، حیثیت	آب
ز چشم خَلق، گرفتم، بپوشم آتشِ دل مرا بگوی که با آب چشم خود چه کنم؟	اشک	آب
نمی‌دهند اجازت مرا به سیر و سفر نسیم باد مصلاً و آب رکن‌آباد	رودخانه، دریا، چشمه	آب
چو آمد به برج حَمَل، آفتاب جهان گشت با فرّ و آیین و آب (برج حَمَل: ماه فروردین)	طراوت و تازگی و لطافت، رونق	آب
ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخواست نان حلال شیخ آب حرام‌ما (صرفه‌ای نبرد: فضیلتی نداشته باشد)	شراب	آب
<p>◀️ تَرین معنی «آب» را در ابیات زیر مشخص کنید.</p> <p>(۱) بخوشید (= بَشکَید) سرچشمه‌های قدیم نماند آب، جز آب چشم یتیم (۲) گر سخن گوید آب سخن ما ببرد بشود نور ستاره، چو برآید مهتاب (۳) دهانش ز آب حیوان، آب بُرده عقیقش رونق عتّاب بُرده (۴) بیا ساقی آن آب اندیشه‌سوز که گر شیر نوشد شود بیشه‌سوز</p> <p>◀️ پاسخ (۱) آب (مایه حیات)، اشک (۲) آبرو (۳) چشمه، آبرو (۴) شراب</p>		

چو آهنگ رفتن کند جان پاک چه بر تخت، مُردن چه بر روی خاک	قصد، عزم، نیت	آهنگ
فلک بین چه ظلم آشکارا کند که اسکندر آهنگ دارا کند	قصد جان، سوء قصد	آهنگ
عالم از ناله عَشّاق مبادا خالی که خوش آهنگ و فرح‌بخش هوایی دارد	نوا، آواز	آهنگ

▶️ پاورقی

۱- برخی از معانی، معانی مجازی واژگان است، ولی به علت کاربرد زیاد این معانی مجازی، در این جدول به آن‌ها نیز اشاره شده است.

تمرین معنی «آهنگ» را در ابیات زیر مشخص کنید.

(۱) گر تو را آهنگ وصل ما نباشد گو مباش
 شیرین حدیثی می کند، مطرب شراب تلخ کو؟
 (۲) آهنگ تیز چنگ و نی، بی می ندارد شورشی
 چون در دل من عشق بیفزود برفتی
 (۳) آهنگ به جان من دل سوخته کردی

پاسخ (۱) قصد، (۲) قصد (۲) نوا (۳) سوء قصد

از	نسبت به، در مقایسه با	نصیحت گوش کن جانا که <u>از</u> جان، دوست تر دارند جوانان سعادت‌مند، پند پیر دانا را
از	به خاطر، به سبب، از روی	تیری که زدی بر دلم <u>از</u> غمزه، خطا رفت تا باز چه اندیشه کند رای صوابت

تمرین معنی «از» را در ابیات زیر مشخص کنید.

(۱) گرچه از کبر سخن با من درویش نگفت
 ای جور تو بهتر از وفای دگران
 (۲) دشنام تو بهتر از ثنای دگران

پاسخ (۱) به سبب (۲) نسبت به، نسبت به

اندیشیدن	فکر و تدبیر کردن	در دایره قسمت، ما نقطه پرگاریم لطف آن چه تو <u>اندیشی</u> ، حکم آن چه تو فرمایی
اندیشیدن	ترسیدن	ز کار بسته <u>میندیش</u> و دل، شکسته مدار که آب چشمه حیوان درون تاریکی است

تمرین معنای «اندیشیدن» را در ابیات زیر مشخص کنید.

(۱) آن شد اکنون که ز ابنای عوام اندیشم
 محاسب نیز در این عیش نهانی دانست
 (۲) دیدی ای دل که دگر باره چه آمد پیشم
 چه کنم با که بگویم چه خیال اندیشم
 (۳) چه اندیشی از خود که فعلم نکوست
 از آن در نگه کن که توفیق اوست

پاسخ (۱) بترسم (۲) فکر کنم (۳) فکر می کنی

اگر (گر، آر)	پیوند وابسته‌ساز در معنی شرط (در جمله‌های مرکب)	یا رب، چه شدی <u>اگر</u> به رحمت باری سوی ما نظر فکندی؟
اگر (گر، آر)	حتی اگر	سیل است آب دیده و هر کس که بگذرد <u>گر</u> خود دلش ز سنگ بود هم ز جا رود
اگر (گر، آر)	یا	تو شاهی و <u>گر</u> ازدهاپیکری؟ بباید زدن داستان، آوری

فهرست آیات، احادیث و عبارات‌های عربی کتاب‌های علوم و فنون

آیه، حدیث و عبارت عربی	ترجمه	مفهوم	کتاب / درس
«أَلَا يَا أَيُّهَا السَّاقِي أَدِرُّ كَأْسًا و نَاولِهَا»	ای ساقی، جام را به گردش درآور و آن را به من بده.	طلب عشق و سرمستی	فنون ۱/ درس پنجم
﴿إِنَّا لِلَّهِ وَّ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره: ۱۵۶)	ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم.	بازگشت انسان به جایگاه اصلی خود در جهان دیگر	فنون ۱/ درس نهم
«أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمَ»	اولین چیزی که خداوند آفرید، قلم بود.	ارزش و اهمیت قلم و سخن	فنون ۱/ درس نهم
«حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ»	وطن‌دوستی از نشانه‌های ایمان است.	توصیه به وطن‌دوستی	فنون ۳/ درس دوم
﴿فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾ (بقره: ۱۱۵)	پس به هر کجا رو کنید آن جا رو به خداست.	تجلی خداوند در همه پدیده‌ها	فنون ۳/ درس سوم
«لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ»	جوانمردی چون علی و شمشیری چون ذوالفقار وجود ندارد.	ستایش مقام والای حضرت علی (ع)	فنون ۳/ درس سوم
«جَوَابُ الْأَحْمَقِ السُّكُوتُ»	جواب ابله، خاموشی است.	توصیه به سکوت در برابر افراد ابله	فنون ۳/ درس سوم
﴿كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾ (رحمن: ۲۹)	هر زمان او در کاری است.	دخل و تصرف خداوند در امور/ توصیه به کار و تلاش	فنون ۳/ درس سوم
«كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»	فقر به کفر بسیار نزدیک است.	نکوهش فقر	فنون ۳/ درس سوم
﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَّ سَلَامًا عَلَيَّ إِِبْرَاهِيمَ﴾ (انبیاء: ۶۹)	گفتیم ای آتش برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش.	حمایت خدا، انسان را از آسیب حفظ می‌کند.	فنون ۳/ درس سوم



فنون ۱۳ درس سوم	حمایت خدا، انسان را از آسیب حفظ می‌کند.	و هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات بخشیدیم.	﴿وَ إِذْ فَرَقْنَا بَيْنَكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ﴾ (بقره: ۵۰)
فنون ۱۳ درس سوم	صبوری و بیان فواید آن	صبر کلید گشایش‌هاست.	«الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ»
فنون ۱۳ درس سوم	سخن گفتن در حد فهم مخاطب	با مردم به میزان عقلشان سخن بگو.	«كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»
فنون ۱۳ درس سوم	پاداش نیک اخروی نیکوکاران	آن‌ها باغ‌هایی خواهند داشت که از زیر [درختان] آن نهرها روان است.	﴿لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (آل عمران: ۱۹۸)
فنون ۱۳ درس سوم	عجز انسان از عبادتی که شایسته خداوند باشد.	آن‌چنان که شایسته تو است، تو را عبادت نکردیم.	«مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»
فنون ۱۳ درس پنجم	علم خدا به حق و حقیقت	خداوند حقیقت را می‌داند.	«اللَّهُ أَعْلَمُ بِالصَّوَابِ»

فهرست نمادها و سنت‌های ادبی رایج در شعر فارسی

در این بخش به توضیح برخی نمادها، نشانه‌ها و همین‌طور برخی سنت‌های ادبی و باورهای رایج در شعر فارسی می‌پردازیم. دانستن این موارد به فهم ابیات کمک قابل توجهی می‌کند و از این رهگذر نگاه ما به برخی اشعار عمیق‌تر می‌شود و باعث افزایش لذت ادبی می‌شود.

نماد: گاهی شاعران واژه یا واژگانی در شعر خود به کار می‌برند که علاوه بر این که با معنی حقیقی و لغت‌نامه‌ای قابل فهم است، در معنی و مفهومی عمیق‌تر و وسیع‌تر نیز در بیت معنا می‌یابد. برای فهم بهتر مطلب به بیت زیر توجه کنید:

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

در این بیت می‌توانیم «مرغ سحر» و «پروانه» را در معنی حقیقی آن‌ها بفهمیم: شاعر در عوالم خیال شاعرانه خود به مرغ سحر خطاب می‌کند که سروصدا کافی است، اگر عاشقی باید سکوت کنی و عشق حقیقی را از پروانه بیاموزی که جانش را در راه معشوقش، یعنی آتش می‌دهد اما صدایش در نمی‌آید! اما اگر کمی با فضای شعر فارسی و مخصوصاً شاخه عرفانی آن آشنا باشیم، درمی‌یابیم که «مرغ سحر» و «پروانه» علاوه بر معنی حقیقی خود، در این بیت در معانی و مفاهیم دیگری نیز به کار رفته‌اند و از رهگذر کشف این معانی فراواژگانی، لذت ما از شعر دوچندان می‌شود. مرغ سحر علاوه بر معنی حقیقی، در معنی انسان‌هایی به کار رفته که «مدعی» عشق و عرفان هستند و لاف عاشق‌بودنشان گوش فلک را کر کرده! از طرفی «پروانه» در معنی عاشقان و عارفان حقیقی به کار رفته که جانشان را در راه عشق فدا می‌کنند؛ اما کوچک‌ترین صدایی از آن‌ها بلند نمی‌شود.



توجه نمادها در بافت شعر قابل تشخیص هستند و این‌گونه نیست که آن‌ها را حفظ کنیم و هر جا چنین کلماتی دیدیم تفسیر نمادین ارائه دهیم؛ مثلاً اگر بگوییم: «در بهار امسال پروانه‌های زیادی در باغ دیدم»، واضح است که پروانه فقط در معنی حقیقی به کار رفته و خبری از نماد در این جمله نیست. سنت‌های ادبی: گاهی اوقات شاعران قراردادهایی خیالی میان خود دارند و در شعر خود از آن قراردادهای استفاده می‌کنند. توجه داشته باشید این قراردادهای در عالم واقع وجود خارجی ندارند و فقط احکام آن‌ها در عوالم ادبی ساری و جاری است. ما به این قراردادهای، سنت‌های ادبی می‌گوییم. برای فهم بهتر مطلب به نمونه زیر توجه کنید:

آخر ای باد صبا، بویی اگر می‌آری سوی شیراز گذر کن که مرا یار آن جاست
شاعر از باد صبا می‌خواهد که بویی یا خبری از یار برای او بیاورد ... همه می‌دانیم باد صبا در عالم واقع، قدرت خبررسانی ندارد، اما در عالم خیال شاعران، باد صبا نامهرسان میان عاشق و معشوق است و گاهی تنها محرمی است که اجازه حضور یافتن در محضر معشوق را دارد.

توجه حضور «باد صبا» در یک بیت به این معنی نیست که شاعر لزوماً قصد اشاره به نقش نامهرسانی باد صبا دارد. تکلیف همه چیز را معنی و فضای کلی شعر مشخص می‌کند. این نکته در باب تمام واژگانی که به سنت‌های شعری اشاره دارند، صدق می‌کند؛ مثلاً در مصرع «اگر چراغ بمیرد، صبا چه غم دارد؟» باد صبا به هیچ‌وجه نقش نامهرسانی ندارد: «باد اگر بوزد و چراغ خاموش شود، برای باد مهم نیست.»

نمادها، سنت‌های ادبی و باورهای رایج

آسیا / آسیاب: دو سنگ بزرگ و گرد بوده که عموماً با جریان آب، سنگ بالایی به حرکت درمی‌آمده و گندم میان این دو سنگ تبدیل به آرد می‌شده. در شعر فارسی عموماً نماد افراد تلاشگر و زحمتکش است که رزق خویش را با تلاش به دست می‌آورد:

مشو غافل ز گردیدن که روزی در قدم باشد همین آوازه می‌آید ز سنگ آسیا بیرون
گاهی نیز به علت بزرگ بودن سنگ‌ها، نماد استحکام، قدرت و حتی زورگویی است:

مابین آسمان و زمین جای عیش نیست یک دانه چون جهد ز میان دو آسیا؟
آفتاب / خورشید / مهر: علاوه بر این که مشبّه به چهره یار قرار می‌گیرد، گاهی نماد سخاوت، بزرگ‌منشی، خداوند و عشق است:

چو غلام آفتابم، هم از آفتاب گویم نه شبم، نه شب پرستم که حدیث خواب گویم
آهو / آهوی چین / آهوی ختن / آهوی تاتار / آهوی تاتار: مظهر زیبایی، خوش‌خرامی و زیبا راه رفتن است، چشمان آهو اغلب مشبّه به چشم یار قرار می‌گیرد:

ای چشم تو دل‌فریب و جادو در چشم تو، خیره چشم آهو
نوعی خاص از این آهو در ناحیه ختن کشور چین وجود داشته که از ناف آن، مشک - که نوعی عطر بوده - به دست می‌آورده‌اند:

نفس را بوی خوش چندین نباشد مگر در جیب دارد ناف آهو؟ (جیب: گریبان)

الف. ادبیات تعلیمی

در این فصل، به بررسی مفاهیم مهم کتاب‌های علوم و فنون سه سال می‌پردازیم. ابتدا این مفاهیم را به شکل موضوعی و دسته‌بندی شده در قالب درس‌نامه می‌بینید، سپس به سؤالات تستی آن بخش پاسخ می‌دهید. در این فصل حدود ۲۰۰ مفهوم و ۶۰۰ تست وجود دارد که به صورت موضوعی مرتب شده‌اند.

در بررسی مفاهیم موجود در کتاب، سعی کردیم تمام ابیات مهم کتاب‌های علوم و فنون را در درس‌نامه بگنجانیم و برای آن که ارتباط ابیات بهتر در ذهن شما بماند، آن‌ها را به شکل موضوعی دسته‌بندی کردیم. این مفاهیم را در چهار بخش «ادبیات تعلیمی»، «ادبیات عاشقانه»، «ادبیات عارفانه و حمد و ستایش» و «ادبیات میهنی و حماسی» دسته‌بندی کرده‌ایم.

در هر کدام از این بخش‌ها هم سعی کردیم، مفاهیم نزدیک به هم را در ذیل یک عنوان قرار بدهیم و به جای آن که تمام مفاهیم تعلیمی را در یک بخش ارائه کنیم آن را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم کنیم؛ مثلاً ۷۰ مفهوم ادبیات تعلیمی به ۱۴ قسمت تقسیم شده است و در هر کدام از قسمت‌ها به طور میانگین حدود ۵ مفهوم قرار داده شده است و ۹۸ مفهوم ادبیات عاشقانه به ۱۶ قسمت تقسیم شده است که هر قسمت به طور میانگین ۶ مفهوم را شامل می‌شود.

گاهی عنوان کلی که برای آن قسمت در نظر گرفته‌ایم، به خوبی مفاهیم آن قسمت را نشان می‌دهد و تمام آن پنج، شش مفهوم را در بر می‌گیرد، گاهی هم فقط بخشی از مفاهیم را شامل می‌شود و ما به ناچار یکی دو مفهوم نسبتاً متناسب با آن عنوان را هم در آن قسمت قرار داده‌ایم. گاهی هم چاره‌ای جز این نبوده است که چند عنوان را در کنار هم قرار دهیم. در هر صورت این تقسیم‌بندی به دو دلیل بوده است، نخست آن که بهتر بتوانیم مفاهیم را با هم مرتبط کنیم و ابیات کتاب را دسته‌بندی شده بررسی کنیم و دوم آن که تست‌های این فصل را که بیش از ۶۰۰ تست است در قسمت‌های کوچک‌تر ارائه دهیم.

بعد از درس‌نامه هر قسمت، تست‌های آن موضوع آمده است. تعداد تست‌های هر موضوع هم به طور میانگین حدود ۱۷ تست است و اساساً در دسته‌بندی مفاهیم، به این نکته توجه داشته‌ایم که هر کدام از این قسمت‌ها و موضوعات از نظر تستی دارای تعدادی تست و اهمیت تقریباً یکسان باشند و هر کدام از این چهل قسمت دربردارنده یک یا چند مفهوم نسبتاً مهم‌تر باشند.

در درس‌نامه، بعد از هر مفهوم ابیاتی را به عنوان نمونه و مثال آورده‌ایم که ابتدا ابیات کتاب‌های علوم و فنون و پس از آن ابیات کتاب‌های فارسی آمده‌اند و بعد هم مثال‌های خارج از کتاب. ابیات کتاب‌های درسی با فونت متفاوت مشخص شده‌اند. بررسی تدریجی و منظم مطالب این فصل و پاسخگویی دقیق به آن‌ها سبب می‌شود به تمام مفاهیم موجود در کتاب‌های درسی مسلط شوید و به تدریج در پاسخگویی به سؤالات قرابت مفهومی مهارت پیدا کنید.

۱. توصیه به اخلاق نیک و ستایش راستی و درستی

توصیه به نیک‌خویی و خوش‌خلقی / خوش‌خلقی کلید نیکی است.

خوی نیک است ای برادر، گنج نیکی را کلید
جبهه‌ واکرده‌ای پیوسته چون گل بایندش
به نیک و بدش نیک‌خویی بود
کلید گنج سعادت گشاده‌برویی است

نیک‌خو گفته است یزدان، مر رسول خویش را
خُرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست
خوش آن کس که کارش نکویی بود
گل سرسبد روزگار خوش‌خویی است



به یادگار گذاشتن نیکی از خود

بیا تا همه دستِ نیکی بریم
نباشد همی نیک و بد پایدار
برگزین از کارها پاکیزگی و خوی نیک
سرانجام جای تو خاک است و خشت
جز گردِ نکویی مگرد هرگز
تو را جائت نامه است و کردار، خط

دستگیری از افتادگان و ضعفا

مروت نباشد بر افتاده زور
هر که فریادرس روز مصیبت خواهد
به پیری گر نمی‌خواهی که محتاج عصا گردی
تو را از آتش دوزخ کند فردا سپرداری

توصیه به راستی و درستی

راستی کن که راستان رستند
سعیا راست‌روان گوی سعادت بردند
راستی موجب رضای خداست

بخشندگی و کرم، به دست کریمان، حاجت برآورده می‌شود.

ما بندگان حاجتمندیم و تو کریم
ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست
چه حاجت است گشودن دهن به حرف سؤال
دست کریم آینهٔ سیماب‌گوهر است

جهان جهان را به بد نسپریم
همان به که نیکی بود یادگار
کز همه دنیا گزین خلق دنیا این گزید
جز از تخم نیکی نبایذت کشت
نیکی است که پاینده در جهان است
به جان برمکن جز به نیکی رقم

بزد مرغ دون، دانه از پیش مور
گو در ایام سلامت به جوانمردی کوش
ز پا افتادگان را در جوانی دستگیری کن
گر از دست حمایت ناتوانان را سپر گردی

راستان در جهان قوی‌دستند
راستی کن که به منزل نرود کج رفتار
کس ندیدم که گم شد از ره راست

حاجت همیشه پیش کریمان بود روا
در حضرت کریم تنها چه حاجت است؟
زبان اهل طلب را کریم می‌داند
ابر بهار را به تقاضا چه حاجت است؟

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت زیر متفاوت است؟

خوی نیک است ای برادر، گنج نیکی را کلید»
کلید گنج سعادت گشاده‌ابرویی است
خلق خوش خود را و عالم را معطرکردن است
تنگ شد خلق من از بس تنگ دیدم خوی خلق
کز خلق خوش بهشت خدا می‌توان شدن

«نیکخو گفته است یزدان، مر رسول خویش را
(۱) گل سرسید روزگار خوش‌خویی است
(۲) تنگ‌خلقی بر خود و بر خلق سازد کار تنگ
(۳) پیش از این چون گل جبینم چین دل‌تنگی نداشت
(۴) در دوزخی ز خوی بد خویش غافل

۲- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

ولیکن در خوی خوب است خوبی مرد و در دانش
گل گرچه خوبرو بود و باغ جای خوش
منگر به جمال و صورت نیکو
که خوی نیک بخشد زیب دیگر روی نیکو را

(۱) نه اندر صورت خوب است زیب مرد و نیکویی
(۲) بی روی خوب خوش نبود دل به هیچ جا
(۳) از مرد کمال جوی و خوی خوش
(۴) نکورویا چو آن روی نکو خود را نکو گردان



۱- برخی ابیات بیش از یک مفهوم دارند و شاید به عنوان مثال برای چند مفهوم آورده شوند؛ مثلاً این بیت علاوه بر مفهوم مذکور، دارای مفهوم «حتمی بودن مرگ» هم هست.



به زخم خار نتوان داد از کف دامن گل را
عالم به حسن خلق گل تازه رو گرفت
ما به روی تازه از سرو و صنوبر قانیم
شمع از آتش‌زبانی در دهان گاز ماند

همان به که نیکی بود یادگار»
زانکه به عالم نماند به ز سخن یادگار
که نیکی و بدی از خلق داستان ماند
هرگز جهان مباد ز تو یادگار تو
که بد و نیک باز خواهی دید

میان خلق بماند به نیکی آثارش
بماند تو جز تخم نیکی مکار
که باز ماند از او در جهان به نیکی یاد
رفت از محیط گوهر و در ابر نم ماند

کز همه دنیا گزین خلق دنیا این گزید»
که احتمال کند خوی زشت نیکو را
نقد است بهشت تو گر خلق حسن داری
از دولت بختش همه نیک آید پیش
بر دهر و خلق جز او کامگار نیست

برَد مرغِ دون، دانه از پیش مور»
به دود دل خلق خود را مسوز
جان این گرگ برآور که به دام افتاده است
که روزی تواناتر از وی شوی
خطاست پنجه مسکین ناتوان بشکست

کشتی نوح است هر موجی خس و خاشاک را
آنچه از دست نوازش ما ضعیفان می کشیم
دست مسئول است هر جا خاری اندر پا رود
که ضعیفان غمت بارکشان ستمند
دست خود بوسید هرکس دست سائل را گرفت
ز بیچارگان روی درهم کشم

(۱) الف-پ-ت (۲) پ-ث-ج (۳) ب-ت-ج (۴) الف-ب-ث

راستان در جهان قوی دستند»
راستی در راه تنگ از مار پیدا می شود
هرچه در راه من است از طبع گمراه من است
راستی در تیر چون خم در کمان زبنده است
(رعونت: خودآرایی و غرور)
از راستی آن را که در این راه عصایی است

۳- مفهوم کدام گزینه با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) ز خوی تند نتوان روی گردان گشت از خوبان
- ۲) خار درشت‌خوی بسی تیغ زد ولی
- ۳) خلق خوب سرفرازان از ثمر شیرین‌تر است
- ۴) از زبان نرم خاکستر بر آتش دست یافت

۴- کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی دارد؟
«نباشد همی نیک و بد پایدار

- ۱) این سخنان در عراق هست ز من یادگار
- ۲) ضرورت است که نیکی کند کسی که شناخت
- ۳) بادی از این جهان به همه وقت یادگار
- ۴) نیک دریاب و بد مکن زنهار

۵- مفهوم کدام گزینه با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) امیدوار وجودی که از جهان برود
- ۲) که خوبی و زشتی ز ما یادگار
- ۳) جهان نماند و خرم روان آدمی‌ای
- ۴) نام و نشان به دهر ز اهل کرم نماند

۶- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت زیر متناسب است؟

«برگزین از کارها پاکیزگی و خوی نیک

- ۱) به عشق روی نکو دل کسی دهد سعدی
- ۲) تا سرکش و بدخویی در دوزخ جانسوزی
- ۳) نیکویی کن که مردم نیکانندیش
- ۴) کس را بر اختیار خدای اختیار نیست

۷- کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«مرّوت نباشد بر افتاده زور

- ۱) مننه دل بدین دولت پنج روز
- ۲) ریشه خصم برافکن که زبون گشت و ضعیف
- ۳) تحمل کن ای ناتوان از قوی
- ۴) به بازوان توانا و قوت سر دست

۸- مفهوم کدام گروه از ابیات زیر با یکدیگر متناسب است؟

الف) از ضعیفان دست طوفان حوادث کوتاه است
ب) بر شکار لاغر از سرپنجه شیران نرفت
پ) ای توانا دستگیر ناتوان شو در بلا
ت) تو سبکبار قوی حال کجا دریابی
ث) طاعتی بالاتر از دلجویی درویش نیست
ج) من آن کس نیم کز غرور چشم

(۱) الف-پ-ت (۲) پ-ث-ج (۳) ب-ت-ج (۴) الف-ب-ث

۹- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت زیر متناسب است؟

«راستی کن که راستان رستند

- ۱) می‌شود در تنگ‌دستی نفس کجرو مستقیم
- ۲) از طریق راست خاشاک خطرها زفته‌اند
- ۳) طاعت از پیران رعونت از جوانان خوش‌نماست
- ۴) از اطلس گردون گذرد راست چو سوزن



۱۰- مفهوم کدام گزینه با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) راستی از کج‌نهادان گرد برمی‌آورد
- ۲) شده است راه تو دور از کجی وگرنه خدنگ
- ۳) ز فیض راستی از جیب منزل سر برآوردم
- ۴) تر می‌کند به خون شفق نان آفتاب

۱۱- مفهوم کدام گزینه با بیت زیر متناسب است؟

- «ما بندگان حاجتمندیم و تو کریم»
- ۱) از حدّ خود زیاده اگر می‌کنم طلب
 - ۲) ریزش ابر نباشد به فشاندن موقوف
 - ۳) سؤال را گره جبهه قفل لب گردد
 - ۴) لب به حاجت وامکن ساز غنا این است و بس

۱۲- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) سؤال نیست مگر بر خزائن کرمش
- ۲) از راه حرف و صوت رسیدن به کنه خلق
- ۳) چه احتیاج که سائل کندسؤال چو نیست
- ۴) دست کریم آینهٔ سیماب‌گوهر است

از زدن مانع نگردد تیغ رهزن راه را
 ز راستی دو قدم راه تا هدف دارد
 چو راه از نقش پا هر چند چندین جا گره خوردم
 از راستی چه می‌کشد از روزگار صبح

حاجت همیشه پیش کریمان بود روا»
 در حضرت کریم تمّنا غریب نیست
 از کریمان چه ضرور است طلب باید کرد؟
 در سرای کریمان گشاده می‌باید
 آب گوهر می‌زند موج از زبان بی‌سؤال

سؤال نیز چه حاجت؟ که عالم است به حال
 با نامهٔ گشادهٔ سیما چه حاجت است؟
 ضمیر غیب‌نمای تو حاجتش به سؤال
 ابر بهار را به تقاضا چه حاجت است؟

۲. فضایل اخلاقی و فواید آن

ضرورت صبر در سختی روزگار / فواید صبر و شکیبایی

دانه چون در آسیا افتد تحمّل بایش
 می‌کند پهلو تهی سیلاب از دیوار ما
 کی میوهٔ مراد ز باغ جهان رسد
 چشمه‌سار نوش سازد بوسه‌گاه نیش را
 که فرج از صبر زاینده بود

از کنار ابر، تا دریا تنزل بایش
 در نیستی کوفت تا هست شد
 اگر می‌دید معراج ز پا افتادن ما را
 که آن بام را نیست سلّم جز این (سلّم = نردبان)
 تکبر به خاک اندر اندازد
 هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
 سایه را از پا فتادن پای رفتن می‌شود
 آن رهروی که منزلش از پا فتادن است

بی‌نیازی سبب عزّت و نیازمندی به خلق مایهٔ خواری است.

با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است
 گرچه خوشخو و عاقل و داناست

صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید
 الصّبرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ: صبر کلید گشایش است.
 در حوادث طاقت ما را شکیب دیگر است
 هم صبر به که گر نبود روزگار صبر
 صبر کن بر تلخکامی‌ها که آخر، روزگار
 عاقبت جوینده یابنده بود

فروتنی مقدمهٔ ارزشمندی است.

قطرهٔ آبی که دارد در نظر گوهر شدن
 بلندی از آن یافت کاو پست شد
 فلک در خاک می‌غلطید از شرم سرافرازی
 بلندیت باید تواضع گزین
 تواضع سر رفعت افرازدت
 افتادگی آموز اگر طالب فیضی
 ما ضعیفان لغزشی داریم اگر رفتار نیست
 صائب بود به گرد سرش کعبه در طواف

با کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است
 مرد آزاده در میان گروه



فصل پنجم: لغت و معنی

درس دوم

آلم: درد، رنج
جَرس: زنگ، دَرای
جَهان: علاوه بر معنی دنیا، گاهی در معنی صفت فاعلی از جهیدن نیز به کار می‌رود؛ جَهنده
حور: جمع حوراء، به معنی سیاه‌چشمان، زنان زیبارو. این واژه در فارسی به معنی مفرد به کار می‌رود و فارسی‌زبانان آن را با علامت جمع فارسی [حوران] جمع می‌بندند.
خارِه: سنگ خارا، سنگ، سنگ سخت
خَسْتَن: مجروح کردن
خلیدن: فرورفتن، فرورفتن چیزی نوک‌تیز مانند سوزن و خار در چیزی
خور: خورشید
دَرای: زنگ بزرگ، پُتک آهنگران
رویین: هر چیزی که از فلز روی ساخته شده باشد؛
نای رویین: شیپوری از جنس فلز روی
رَهره: کیسهٔ صفرا، مایع زردرنگ و تلخ موجود در کیسهٔ صفرا، مجازاً در معنی شجاعت، جرئت و جسارت به کار می‌رود.
رُهره: ناهید، دومین سیارهٔ منظومهٔ شمسی به نسبت فاصله از خورشید. منجمان قدیم ناهید را سیارهٔ طرب و شادی می‌دانستند.
ساربان: محافظت‌کننده و نگاه‌دارندهٔ شتر، شتربان
سَبا: نام شهر بلقیس در بلاد یمن
صَتَم: بُت، در شعر فارسی معمولاً استعارهٔ مصرّحه از یار است.
قُصور: کوتاهی کردن، از کاری بازایستادن
کاویانی درفش: پرچم کاویانی؛ **کاویانی:** منسوب به کاوه

الف. لغات علوم و فنون ادبی

درس اوّل

اثناء: جمعِ ئنی، میانه‌ها؛ **در اثناء:** در خلال، در میان
آقربا: جمع قریب؛ خویشاوندان
التفات: توجه، بازنگریستن
تزویر: فریب، ریاکاری، نفاق
تَنزّل: فروآمدن، نزول کردن، پایین آمدن
جِبَهه: پیشانی
حلاوت: شیرینی
خواب‌گزار: تعبیرکنندهٔ خواب و رؤیا، مُعَبِّر
دَستان: فریب، مکر، لقب زال (پدر رستم)، سرود و نغمهٔ ^۲
دَم‌زدن: سخن‌گفتن (کنایه)
روبه‌بازی: حيله، حيله‌گری
زنبورخانه: لانهٔ زنبور، کندو
سیره: پرنده‌ای کوچک و خوش‌آواز شبیه بلبل با پرهای زرد و سبز (سَهره)
شهد: عسل، شیرینی
طبايع: جمعِ طَبْع، نهادها، ذات‌ها، سرشت‌ها
عماد: ستون، تکیه‌گاه
گاؤر: رخت‌شوی
مُعَبِّر: تعبیرکنندهٔ خواب و رؤیا، خواب‌گزار
مَلامت: سرزنش کردن، نکوهش
هر آینه: ناچار، بی‌شک
یارستن: توانستن

پاورقی

۱- در مواردی که کلمهٔ اصلی جمع است، ابتدا صورت مفرد کلمه را می‌آوریم و سپس معنی جمع آن را می‌گوییم.
 ۲- برخی کلمه‌ها چندین معنی متعدد و متنوع دارند، ما ابتدا معنای مدّ نظر کتاب را می‌آوریم و گاهی به معانی مشهور دیگر آن نیز اشاره می‌کنیم.

۶۲۴- کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- ۱) دوست با تو در دل است ای بی‌زبان
 - ۲) با کمال قرب با جانان دل ما غافل است
 - ۳) لذت‌شناس نیست که از دوست غافل است
 - ۴) در خلوت دل دوست یاری و یار غاری
- همچو کورانش نمی‌بینی عیان
زنده از دریاست ماهی و ز دریا غافل است
لذت کسی شناخت که غافل نمی‌شود
تو می‌روی به هر در غافل ز یار تا کی؟

۶۲۵- کدام گزینه با «ما ز بالاییم و بالا می‌رویم / ما ز دریاییم و دریا می‌رویم» قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) شاخ بالا زان رود زیرا ز بالا آمده است
 - ۲) ندارد بازگشتی کفر و دین غیر از سر کویش
 - ۳) طایر جان که در این دامگه افتاد اسیر
 - ۴) پاک شد دل چو به آن آینه‌سینا پیوست
- سوی اصل خویش یازم کاصل را بشناختم
به دریا می‌رود هر سیلی از کهسار ای ساقی
هر دمش می‌رسد از کنگره عرش صفیر
سیل ناصاف نمآند چو به دریا پیوست

۶۲۶- کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- ۱) از توگل در حنا مگذار دست سعی را
 - ۲) مکن از کسب، دست خویش کوته چون گران‌جانان
 - ۳) چشم بینا در جهان عقل باشد دستگیر
 - ۴) گر توگل می‌کنی در کار کن
- قفل روزی گر کلیدی دارد ابرام است و بس
منه بر کاهلی زنه‌ار بنیاد توگل را
در بیابان توگل، چشم‌پوشیدن عصاست
کشت کن پس تکیه بر جبار کن

۶۲۷- همه گزینه‌ها با «ملکی که پریشان شد از شومی شیطان شد / باز آن سلیمان شد، تا باد چنین بادا»

تناسب دارند، به جز

- ۱) از گل آن جور که بر بلبل مسکین می‌رفت
 - ۲) دیروز بود بار جهانی به دوش من
 - ۳) این لحظه آتش است به جایی که بود آب
 - ۴) سرخ‌رویی داد صائب رنگ زرد من ثمر
- عاقبت از اثر ناله زار آخر شد
امروز می‌کشند مرا چون سبو به دوش
و امروز ماتم است به جایی که بود سور
زین خزان آخر بهار بی‌خزان آمد پدید

۶۲۸- همه گزینه‌ها به استثنای گزینه با بیت «هر که می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود / بر

زبان بند گرانی از تأمل بایدش» ارتباط معنایی دارند.

- ۱) خار بی‌گل چند خواهی بود از تیغ زبان؟
 - ۲) بی تأمل سخن خود مده از دل به زبان
 - ۳) هر که می‌خواهد سخن‌گستر بود در انجمن
 - ۴) سخن چون زر پخته بی‌خیانت گردد و صافی
- بی‌زبانی پیشه خود کن گل بی‌خار شو
غنچه تا گل نشود دست به چیدن مگذار
اولش باید تأمل در سخن آن‌گه سخن
چو او را خاطر دانا به اندیشه فروساید



آزمون دوم

۶۲۹- مفهوم کدام بیت در مقابل آن نادرست آمده است؟

- (۱) پس کس نگوئیم چیزی نهفت
 (۲) مشو غافل ز پاس وقت اگر از دور بینایی
 (۳) عشق از دل سعدی به ملامت بتوان برد
 (۴) تا تو خود را پای بستی باد داری در دو دست
- که در پیش رویش نیاریم گفت (اجتناب از غیبت)
 که چون شد فوت نتوان این عبادت را قضا کردن
 (اغتنام فرصت)
 گر رنگ توان برد به آب از رخ هندو
 (ترک عشق به خاطر ملامت دیگران)
 خاک بر خود پاش کز خود هیچ نگشاید تو را (ترک خود)

۶۳۰- همه گزینیه‌ها با بیت «قطره آبی که دارد در نظر گوهرشدن / از کنار ابر تا دریا تنزل بایش» قرابت مفهومی دارند؛ به جز

- (۱) پستی در این محیط، گهر کرد قطره را
 (۲) فروتنی است دلیل رسیدگان کمال
 (۳) مگذر از یاران که در هنگام کارافتادگی
 (۴) از تواضع قد خم‌گشته خود راست کنی
- کسب فروتنی است عروج تفاخرم
 که چون سوار به منزل رسد پیاده شود
 واجب آن باشد که یاران یاری یاران کنند
 گر تمتای تمامی چو هلال است تو را

۶۳۱- کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- (۱) چون به هم پیوست دل‌ها سد آهن می‌شود
 (۲) بدان مقام رسید اتحاد من با او
 (۳) ز من چو کوه نخیزد صدا به تنهایی
 (۴) چون پل ز سیل حادثه از جا نمی‌روند
- توبه یاران یکدل از شکستن ایمن است
 که باز می‌شناسم که این منم یا دوست
 مگر به همدلی دیگران کنم فریاد
 جمعی که بسته‌اند میان بر میان هم

۶۳۲- مفهوم بیت «نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز / چه بود؟ منت بگویم قضای یزدان بود» با مفهوم همه گزینیه‌ها متناسب است، به جز

- (۱) همه قضا و قدر کردگار عالم راست
 (۲) گرت صورت حال بد یا نکوست
 (۳) به چشم عقل در این رهگذار تیره بین
 (۴) نه بی ارادت او بر زمین ببارد ابر
- مدان تو دولت و محنت جز از قضا و قدر
 نگارنده دست تقدیر اوست
 که گسترانده قضا و قدر به راه تو دام
 نه بی مشیت او بر هوا بجنبد باد

۶۳۳- مفاهیم «تأثیر همنشین، اهمیت اصل و نسب، نفی ظاهرینی، تقدیرگرایی» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- الف) اگر به هر سر مویت هنر دوصد باشد
 ب) اصل بزرگ از بُنه هرگز خطا نکرد
 پ) تا نیاید غم و نکاهد عمر
 ت) اگر از خرقه کس درویش بودی
- هنر به کار نیاید چو بخت بد باشد
 کس را گزافه چرخ فلک پادشا نکرد
 روی غمگین و روی مرده مبین
 رئیس خرقه‌پوشان میش بودی

(۱) ت-ب-پ-الف (۲) پ-ب-الف-ت (۳) ب-پ-ت-الف (۴) پ-ب-ت-الف

۱. توصیه به اخلاق نیک و ستایش راستی و درستی

۱- گزینه «۳» در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) همانند بیت سؤال سخن از این است که خوش‌خلقی کلید نیکی‌ها است و اثرات خوب خوش‌خلقی در همه گزینه‌ها بیان شده است، اما در گزینه (۳) شاعر می‌گوید: تا قبل از این مثل گل، چهره گشاده داشتم و از دیدن اخلاق مردم تنگ‌خلق شدم. (جبین: پیشانی)

۲- گزینه «۲» مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) برتری خوی خوش بر روی خوش است و در هر سه گزینه سخن از این است که روی زیبا بدون خوی نیکو ارزشی ندارد. در گزینه (۲) شاعر می‌گوید: بدون چهره زیبای یار هیچ‌جا برای عاشق خوب نیست و گل و باغ با تمام زیبایی رنگ می‌بازند.

۳- گزینه «۱» مفهوم گزینه (۱) این است که با وجود خوی تند زیبارویان، نباید از روی زیبا دوری کرد. در سایر گزینه‌ها اثرات نیک‌خویی و نرم‌خویی بیان شده است.

معنی گزینه (۲): خار که اخلاق تند و درشت دارد بسیار تیغ می‌زند، ولی گل با روی تازه و حسن خلق خود عالم را فتح می‌کند.

۴- گزینه «۲» مفهوم مشترک گزینه (۲) و بیت سؤال توصیه به نیکی و به یادگار گذاشتن نیکی در جهان ناپایدار است.

مفهوم سایر گزینه‌ها گزینه (۱): ماندگاری سخن گزینه (۳): دعای جاودانگی و خلود برای ممدوح (بادی: باشی) گزینه (۴): بدی و نیکی هر کس به خود او بازمی‌گردد.

۵- گزینه «۴» در گزینه (۴) سخن از این است که اهل کرم و بخشندگی در عالم یافت نمی‌شوند و حتی نام و نشانی از آن‌ها باقی نمانده است (محیط: دریای بزرگ). مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها توصیه به نیکی و به یادگار گذاشتن نیکی در جهان ناپایدار است.

۶- گزینه «۲» در بیت سؤال مفهوم اصلی توصیه به حسن خلق و نیک‌خویی است، در گزینه (۲) نیز شاعر می‌گوید: تا زمانی که تندخو و بدخلقی در جهنم جا داری و اگر حسن خلق داشته باشی، بهشت برای تو حاضر خواهد بود. پس در این بیت هم توصیه به حسن خلق و فواید آن دیده می‌شود.

مفهوم سایر گزینه‌ها گزینه (۱): کسی که عاشق زیبارویی می‌شود باید تندخویی او را هم تحمل کند (احتمال: تحمل). گزینه (۳): توصیه به نیکی کردن / کسی که نیکی کند، نیکی می‌بیند (نیکی کردن با نیک‌خویی تفاوت دارد). گزینه (۴): تسلیم‌بودن در برابر انتخاب و خواست خداوند

۷- گزینه «۴» در بیت سؤال و گزینه (۴) بر این مطلب تأکید شده است که ستم کردن بر ضعیفان و ناتوانان خلاف جوانمردی است.

معنی و مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): دل‌نستن به قدرت ناپایدار دنیا / آه مظلوم دامن ظالم را می‌گیرد. گزینه (۲): به دشمن ضعیف فرصت نده و او را نابود کن. گزینه (۳): تحمل کردن زورگویی قوی‌تران به امید رسیدن به قدرت

۸- گزینه «۲» در ابیات (پ)، (ث) و (ج) سخن از توجه به ضعیفان و دست‌گیری از آنان در هنگام قدرت است (حشم: اطرافیان، همراهان).

مفهوم سایر ابیات: الف ضعیفان در طوفان حوادث در امان‌اند و آسیبی نمی‌بینند. ب ناگواردانستن دست نوازش در هنگام ضعف و ناتوانی ت کسی که عاشق نیست حال عاشق دردمند را نمی‌فهمد.

۹- گزینه «۴» در گزینه (۴) همانند بیت سؤال سخن از این است که راستی و درستی، قدرت و توانایی می‌بخشد.



مفهوم سایرگزینه‌ها **گزینه (۱)**: تنگ‌دستی و گرفتاری کجروان را راست کردار می‌کند. **گزینه (۲)**: در راه راست خطری وجود ندارد و هر خطری هست از گمراهی ماست. **گزینه (۳)**: از هر کسی رفتار متناسب خودش نیکوست.

۱۰- **گزینه «۴»** در گزینه (۴) برخلاف سایر گزینه‌ها راستی سبب گرفتاری و ناکامی و رنج دانسته شده است، ولی در سایر گزینه‌ها مفهوم اصلی این است که راستی و درستی سبب رهایی و کامیابی است.

۱۱- **گزینه «۲»** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲) این است که به دست کریمان، حاجت بر آورده می‌شود (حتی بدون ابراز نیاز).

مفهوم سایرگزینه‌ها **گزینه (۱)**: در محضر انسان کریم، زیاده حاجت‌خواستن عیب نیست. **گزینه (۳)**: با نیازمندان با روی گشاده باید برخورد کرد؛ گره پیشانی (= جبهه) و احم، سبب قفل‌شدن لبان نیازمندان است، در خانه انسان‌های کریم باید همیشه باز باشد. **گزینه (۴)**: غنا و بی‌نیازی، لب باز نکردن برای بیان حاجت است.

۱۲- **گزینه «۲»** در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) مفهوم مشترک این است که در برابر انسان کریم نیازی به بیان حاجت نیست و انسان کریم حاجت‌نیازمند را بدون ابراز برآورده می‌سازد. در گزینه (۲) این مفهوم دیده نمی‌شود و شاعر می‌گوید: برای پی‌بردن به حال دیگران نیاز به سخن و گفتار نیست و سیمای هر کس مانند کتابی گشوده است و آینه درون اوست. (کنه: عمق، در این جا عمق وجود هر کس)

۲. فضایل اخلاقی و فواید آن

۱۳- **گزینه «۱»** در گزینه (۱) نیز مانند بیت سؤال سخن از صبر در هنگام بلا است. مفهوم سایرگزینه‌ها **گزینه‌های (۲) و (۳)**: ناتوانی صبر در برابر درد عشق **گزینه (۴)**: تلخ‌شدن کام عاشق از صبر بر جدایی

۱۴- **گزینه «۲»** در گزینه (۲) صحبت از تمام‌شدن صبر عاشق در غم عشق است. در سایر گزینه‌ها مفهوم راهگشایبودن صبر دیده می‌شود.

۱۵- **گزینه «۴»** در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) مفهوم مشترک صبر حلال مشکلات است دیده می‌شود، اما در گزینه (۴) سخن از این است که دردی که بیش از طاقت باشد صبر را از بین می‌برد. (زورین: زورمند، قوی)

۱۶- **گزینه «۳»** مفهوم بیت صورت سؤال ضرورت صبر در سختی‌هاست و عبور از سختی‌ها و بلاها با صبوری است که این مفهوم تنها در بیت (ث) دیده می‌شود. در بیت (الف) سخن از ناتوانی صبر در برابر بلاهاست و این مفهوم با مفهوم بیت سؤال تقابل دارد؛ چون در آن جا صبر بر مشکلات پیروز می‌شود و در این جا مغلوب. مفهوم سایر ابیات: **ب- تقابل و ناسازگاری صبر و عشق** **پ- هیچ قفلی بدون کلید نیست و به دست آوردن دل‌ها کلید همه بستگی‌هاست.** **ت- بلاجویی / رسیدن به کمال و رهایی در بلاجویی است.**

۱۷- **گزینه «۴»** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴) این است که تواضع و فروتنی انسان را بلندمرتبه می‌سازد.

معنی و مفهوم سایرگزینه‌ها: **گزینه (۱)**: بدی را با نیکی پاسخ‌دادن **گزینه (۲)**: اگرچه به ظاهر در برابر هم تواضع می‌کنند، اما همنشینی آنان با هم حاصلی ندارد. **گزینه (۳)**: نرم‌خویی و تواضع دشمنان را هم بی‌خطر می‌گرداند.

۱۸- **گزینه «۴»** در گزینه (۴) مفهوم اصلی این است که تواضع در عین قدرتمندی نیکوست و گرنه گدایان به طور طبیعی فروتنی می‌کنند، اما در سایر گزینه‌ها سخن از این است که تواضع و فروتنی مایه بلندمرتبگی است.



آزمون اول

۶۲۴- گزینه «۳» در گزینه (۳) شاعر می‌گوید کسی که از یار غافل است هیچ‌گاه لذت واقعی را درک نمی‌کند؛ زیرا لذت واقعی را کسی می‌شناسد که هیچ‌گاه از یار غافل نیست. بنابراین مفهوم نهایی بیت این است که نباید از دوست غافل بود، اما مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها این است که یار با ماست و در عین حال ما از او غافلیم.

۶۲۵- گزینه «۴» در این گزینه مفهوم محوری این است که رسیدن به معشوق، دل عاشق را پاک می‌کند، همان‌طور که سیل با رسیدن به دریا، پاک و زلال می‌شود. اما مفهوم محوری سایر گزینه‌ها همانند بیت صورت سؤال این است که اصل ما از عالم ملکوت است و به آن‌جا بازمی‌گردیم. (یازم: متمایل می‌شوم، روی می‌آورم)

۶۲۶- گزینه «۳» در این گزینه شاعر می‌گوید: بینایی در جهان عقلانیت، به کار انسان می‌آید ولی در عالم توکل باید چشم را بست و اصلاً چشم‌بستن مانند عصای دست است و به انسان کمک می‌کند. مفهوم نهایی این بیت این است که باید چشم را بست و کاری نکرد و به خداوند توکل کرد. اما مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها این است که علاوه بر توکل انسان باید خودش نیز به تلاش و کوشش بپردازد و به بهانه توکل تنبلی نکند!

● در گزینه (۱) «دست در حنا گذاشتن» کنایه از بیکاری و یا گرفتاری است؛ زیرا وقتی کسی دستش در حنا باشد موقتاً نمی‌تواند کاری انجام دهد.

۶۲۷- گزینه «۳» در این گزینه سخن از گذشتن امور مطلوب و فرارسیدن امور نامطلوب است. اما بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها مشترکاً به گذشتن امور نامطلوب و فرارسیدن امور مطلوب اشاره دارند.

۶۲۸- گزینه «۱» مفهوم گزینه (۱) توصیه به سکوت است؛ شاعر می‌گوید: سخن مانند خاری است که جان دیگران را آزار می‌دهد؛ پس ساکت باش تا مانند گل بی‌خار شوی! (توصیه به خاموشی) در حالی که مفهوم صورت سؤال و سایر گزینه‌ها توصیه به سنجیده‌گویی است و این که باید اول اندیشید و سپس سخن گفت.

معنی گزینه (۲): بدون اندیشه، سخن خود را از دل به زبان می‌اور؛ همان‌طور که غنچه قبل از باز شدن آماده چیده شدن نیست.

معنی گزینه (۴): اگر خاطر و اندیشه انسان دانا سخن را بی‌پرورد، سخن مانند طلای ناب می‌شود.

آزمون دوم

۶۲۹- گزینه «۳» در این گزینه سعدی می‌فرماید: اگر بتوان با آب، رنگ تیره را از چهره هندی‌ها برد [که چنین چیزی محال است] می‌توان با ملامت و سرزنش، عشق را از دل من بُرد؛ یعنی به هیچ‌وجه ملامت دیگران روی من اثری ندارد؛ پس مفهوم نهایی این بیت بی‌اعتنایی عاشق به ملامت است.

۶۳۰- گزینه «۳» مفهوم گزینه (۳) در توصیه به دستگیری دوستان در سختی‌ها است. شاعر معتقد است که دوستان باید در روزهای سختی و کارافتادگی یکدیگر را یاری کنند. اما مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها توصیه به تواضع و بیان فواید تواضع است.

معنی گزینه (۱): همان‌طور که تواضع باعث می‌شود قطره آب به گوهر تبدیل شود، برای من نیز فروتنی موجب سربلندی و عروج من است.

معنی **گزینه (۴)**: اگر قصد کامل شدن و رسیدن به کمال داری، تواضع و فروتنی کن؛ زیرا ماه نیز روزگار زیادی به صورت هلال بود و در اثر همین فروتنی به کمال خود رسید و تبدیل به ماه کامل شد.

۶۳۱- **گزینه (۲)** در این گزینه مفهوم مهم عرفانی **اتحاد عاشق و معشوق** مطرح شده است؛ عاشق آن چنان محو وجود یار می شود که دیگر خود را نمی بیند و وجودش با وجود یار یکی می شود. اما مفهوم سایر گزینه ها **اتحاد و همدلی** یاران است.

۶۳۲- **گزینه (۳)** در گزینه (۳) شاعر می گوید قضا و قدر در راه ما دام نهاده است و باید با چشم عقل بنگریم و مواظب باشیم تا در دام قضا و قدر نیفتیم. اما مفهوم سایر گزینه ها همانند بیت صورت سؤال **تقدیرگرایی** است؛ یعنی این که سلسله جنبان و عامل همه اتفاقات و پدیده ها خداوند است.

۶۳۳- **گزینه (۴)** **بررسی مفاهیم ابیات: الف** اگر در هر سر موی تو صد هنر باشد، اما بخت و اقبال نداشته باشی فایده ندارد. **تقدیرگرایی ب** اصل و نسب بزرگ هرگز خطا نمی کند، روزگار بی جهت کسی را پادشاه نمی کند. (یعنی کسی که پادشاه می شود اصالت پادشاهی دارد و گرنه روزگار بی جهت کسی را پادشاه نمی کند.) **اهمیت اصل و نسب (بئه: ریشه، بنیاد) پ** برای این که (= تا) غمگین نشوی و عمرت کم نشود، روی انسان های غمگین و چهره انسان های مرده را نگاه نکن. **تأثیر همنشین ت** اگر کسی با خرقة و لباس درویش و صوفی می شد، پس میش (به خاطر ظاهر و لباس پشمی اش) باید رئیس درویشان و صوفیان می شد. **نفی ظاهرینی**

• در بیت (ب) عبارت «از بئه» به معنی از بیخ و بُن است.

آزمون سوم

۶۳۴- **گزینه (۲)** مفهوم بیت سؤال **بی خبری دیگران از سختی های راه عشق** است. در گزینه (۲) نیز شاعر می گوید: **آسودگان (= افرادی که عاشق نیستند) حال دردمندان (= عاشقان) را درک نمی کنند.** مفهوم سایر گزینه ها **گزینه (۱)**: ناتوانی عاشق در صبوری **گزینه (۳)**: ظاهر بیانگر باطن نیست. **گزینه (۴)**: توصیه به دستگیری از دیگران

۶۳۵- **گزینه (۲)** در این گزینه شاعر به این پرداخته که هر کس پا به این دنیا می گذارد، غم و غصه نصیبش می شود. اما مفهوم مشترک سایر گزینه ها **ناپایداری و بدعهدی** دنیاست.

معنی **گزینه (۳)**: اگر روزگار به تو فرصتی داد یا شرایط مناسبی برایت مهیا کرد، فریب نخور! چه کسی به تو گفته است که این دنیای پیر (= زال)، فریب و نیرنگ (= دستان) را ترک کرده است؟

۶۳۶- **گزینه (۱)** در این گزینه سخن از **شعله ور بودن آتش عشق و ماندگاری آتش عشق در جان عاشق** است. اما مفهوم سایر گزینه ها **جانفشانی عاشق** است.

• در گزینه (۳) «معلوم» به معنی دارایی است.

۶۳۷- **گزینه (۱)** مفهوم مشترک گزینه های (۲)، (۳) و (۴) همانند بیت صورت سؤال توصیه به دوری کردن از نفس اماره است؛ ولی در گزینه (۱) شاعر می گوید: با وجود آگاهی از این که نفس دشمن خو، با نیکی کردن و احسان، دوست نمی شود، باز هم به او نیکی می کنم!

۶۳۸- **گزینه (۳)** در این بیت شاعر از بی توجهی معشوق گلایه دارد و می گوید: دعای ما گوشه نشینان دفع بلا می کند، تو چرا کوچک ترین توجهی به ما نداری؟ اما مفهوم مشترک سایر گزینه ها همانند بیت صورت سؤال این است که **زیبایی معشوق، افراد متدین را نیز به عشق و سرمستی کشانده است.**